

## کل جامعه را به اتحاد علیه فقر و گرانی فرامی خوانیم!

صفحه ۴



متن سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی در پلنوم ۵۹ حزب:

"حلقه اصلی همبستگی و سازمانیابی صفوف انقلاب است"، صفحه ۲

"وطن" مقوله ای سیاسی در خدمت صاحبان قدرت و سرمایه - مهران محبی صفحه ۵

دستمزدها و "زندگی معمول" کارگران - یاشار سهندی صفحه ۱۵

معیار تعیین دستمزدها - کارگر کارگاهی

کارگر کارگاهی - حمید دائمی، صفحه ۷

ادامه کارزار نه به اعدام، تجمع خانواده های محکوم به اعدام در سقز و تهران و شعاردهی های

شبانہ در سالگرد انقلاب، صفحه ۶

سومین شب خیزش دهدشت، دستگیری شش نفر از معترضین صفحه ۸

اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و سه خبر دیگر صفحه ۹

اعتراضات کارگران ارکان ثالث گاز فجر، ذوب آهن فولاد خزر و اخباری دیگر صفحه ۱۰

دستگیر شدگان دهدشت باید فوراً آزاد شوند صفحه ۱۰

اعتراضات بازنشستگان صنعت نفت و پرستاران و کادر درمان مشهد صفحه ۱۲

اعتراضات کارگران ارکان ثالث بلال و لاوان، مخابرات آذربایجان شرقی، و داروسازان صفحه ۱۴

### مدیای اجتماعی

به کارزارهای گسترده ضد اعدام بپیوندید! صفحه ۱۶

صدور مجدد حکم اعدام علیه شریفه محمدی را قویاً محکوم میکنیم، صفحه ۱۷

ندای زنان ایران: شریفه محمدی فعال کارگری دوباره به اعدام محکوم شد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی: جانین حاکم مجدداً حکم اعدام شریفه محمدی را تایید کردند!  
سخنرانی مسعود ارژنگ در جلسه کمیته رهبری اتحادیه کارگران بخش خدمات عمومی ونکوور کانادا

صفحه ۱۸

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۷۱

۲۹ بهمن ۱۴۰۳

۱۷ فوریه ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

حکم اعدام شریفه محمدی

باید لغو شود!

شریفه باید فوراً آزاد شود!

صفحه ۶

از اعتراضات دانشجویان

دانشگاه تهران حمایت کنیم!

صفحه ۱۲

کارگران در هفته ای که

گذشت، صفحه ۱۱

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۱۳

تجمعات اعتراضی

بازنشستگان مخابرات و

نساجی بروجرد صفحه ۴

\*\*\*

به حزب کمونیست

کارگری بپیوندید!

تلگرام: @wpi\_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



## متن سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی در پلنوم ۵۹ حزب:

### "حلقه اصلی همبستگی و سازمانیابی صفوف انقلاب است"

همه به پلنوم خوش آمدید. اجازه بدهید صحبتیم را با یک یادآوری شروع کنم. در کنگره دوازدهم حزب که حدود هشت ماه قبل از شروع انقلاب زن زندگی آزادی شروع شد پیام ما به مردم ایران این بود: ما همه با هم هستیم. پیام خطاب به صفوف گسترده کارگران، زنان، بازنشستگان، جوانان، دانشجویان، دادخواهان، رنگ کمانی ها و کل فعالین جنبشهای اعتراضی. در آن دوره این جنبشها همه جاری بودند.

در آن پیام این هم پیش بینی شده بود که انقلاب عظیمی در راه است. وقتی انقلاب زن زندگی آزادی آغاز شد بطور جهشی این جنبشها گسترش پیدا کردند. نه تنها گسترش پیدا کردند بلکه سازمان یافتند و متشکلتر شدند. هم سازمان هایی که از قبل در جنبش کارگری و جنبش های مختلف وجود داشتند فعالتر شدند و هم در دل انقلاب سازمانهای بسیار بیشتری تشکیل شدند با پرچم سرنگونی. سازمانهای فعال در جنبش علیه کل نظام. جنبش سرنگونی که ما از شورش تیرماه ۷۸ باز شناخته بودیم و به جامعه معرفی کرده بودیم، شکل معین و متعین و متشکلی بخود گرفت با مضمون رادیکال و چپ و به نظرم بی سابقه ای در تاریخ تحولات ایران. این انقلاب چپ ترین، رادیکال ترین، انسانی ترین، شفاف ترین، و عمیق ترین تحولی است که در جامعه ایران رخ داده است. و این تحول بر دوش و با اتکا به فعالین و پیشروان و مبارزانی شکل گرفت که در سطح گسترده ای متشکل شده بودند.

آن فاکتوری که از نظر فنی به این سازمانیابی گسترده اجازه میداد و کمک میکرد البته مدیای اجتماعی بود که در خیزش و جنبش های قبلی در ایران و در منطقه هم تأثیرش را دیده بودیم. در جنبش زن زندگی آزادی این تکنولوژی اهرمی شد برای اینکه بخش پیشرو و فعال جامعه، فعالین در جنبش کارگری و دانشجویی و زنان و دادخواهان و علیه اعدام و علیه حجاب و علیه آپارتاید جنسیتی و غیره، در یک سطح سراسری بخود سازمان بدهند و به میدان بیایند. به این ترتیب اعتراضات متعین شد. آن چه همیشه بعنوان جنبش سرنگونی مورد توجه ما بود با زن زندگی آزادی شناسنامه و پرچم پیدا کرد و به خودش شکل داد، قوام گرفت، منسجم شد و ابعاد گسترده ای پیدا کرد.

اگر بیاد داشته باشید خود حکومتی ها در همان ماههای اول انقلاب اعلام کردند که هزاران جمع اعتراضی محلی و سراسری بوجود آمده که نمیتوانند کنترلش کنند. این در ملاقات خامنه ای با سران سپاه و نیروهای امنیتی مطرح شد و به بیرون درز پیدا کرد. اما حتی اگر به این هم اعتراف نمیکردند روشن بود که هزاران هزار جمع و تشکل محلی و سراسری تشکیل و فعال شده است. برخی از اینها معرفی و شناخته شده اند، و با اسم و رسم خودشان بیانیه و فراخوان میدهند. و بسیاری هم فعالند ولی چهره و اسم و رسم علنی ندارند چرا که مسائل امنیتی اجازه نمیدهد. در هر حال "پیام همه با هم هستیم" ما معنی عملی پیدا کرد، انقلاب زن زندگی آزادی به آن تجسم داد، تعیین داد، و با این پرچم فعالین و نهادهای سرنگونی طلب در ابعاد بی سابقه ای شروع به تأثیرگذاری و شروع به نقش آفرینی در روند انقلاب زن زندگی آزادی کردند.

این شرایط به نظر من بما نشان میدهد که چطور، در چه سطحی و با چه اولویت

ها و وظایفی باید به جنبش زن زندگی آزادی پرداخت. امر ما سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی جنبش انقلابی ای است که با زن زندگی آزادی خودش را معرفی کرده است. نه فقط در فضای سیاسی ایران بلکه در دنیا! و این پرچم زن زندگی آزادی، انتظارات، توقعات، امیدها و آرزوهایی را در جامعه دامن زده که به سادگی نمیشود آنها را به عقب راند و کنار زد. این فقط امیال مردم نیست. "همه باهم هستیم" تنها می توانست حول رادیکال ترین، عمیق ترین، و انسانی ترین اهداف و سیاست ها شکل بگیرد و دقیقاً همین طور شد. چه کسی در همان کنگره که ما پیشینی کردیم به زودی انقلابی شکل خواهد گرفت، تصور میکرد این انقلاب پرچمش زن زندگی آزادی خواهد بود؟

چه کسی می توانست این را تصور کند که تبیین ما مبنی بر این که انقلاب آتی ایران زنانه خواهد بود در سطح جهانی به رسمیت شناخته شود و همه به عنوان اولین انقلاب زنانه تاریخ به آن رجوع کنند، و چه کسی می توانست تصور کند که این انقلاب در قالب یک جنبش عظیم ادامه پیدا خواهد. این دیگر خیزش و ۹۶ و ۹۸ نیست. نمیتوانند تماشا کنند. بله در آن ابعادی که در خیابانها حضور داشت، به شکل تظاهرات فعال نیست ولی در اشکال دیگری ادامه یافته است. جنبش کارگری مشخصاً بمیدان آمده، کارگران در بخش های مختلف صنعت نفت، دادخواهان و جنبش علیه اعدام، و همینطور بازنشستگان و پرستاران و معلمان در جنبش علیه فقر فساد، و زنان در جنبش بی حجابی و ضد آپارتاید جنسیتی، همه در سطح تجمعات و اعتراضات خیابانی فعالند. اینها همه ابعاد دیگری از جنبش سرنگونی هستند.

وقتی جمهوری اسلامی اوج انقلاب در ۱۴۰۱ را از سر گذراند تصور میکرد این خیزش را هم مثل ۹۶ و ۹۸ پشت سر گذاشته و جامعه آرام خواهد گفت. اما به هیچوجه اینطور نشد. نه تنها جامعه آرام نگرفت، بلکه به اشکال جدیدی از مبارزه دست زد. ما زنان شجاعی را داشتیم که بعد از آن عمامه پرانی ها و حجاب برداشتهها حالا دارند به آپارتاید جنسیتی حمله میکنند، اعتراض عربان میکنند، زنانی که نه تنها حجاب را کنار گذاشته اند بلکه یکی از تابوهای رژیم که زن نمیتواند آواز بخواند و نمیتواند کسرت بدهد را در هم می شکنند. ما پرستاران را داریم که متشکلند و شوراها را تشکیل داده اند، شوراها را اعتراضی در جنبش کارگری و در جنبش بازنشستگان نیز در حال گسترش اند. جنبش دادخواهی هم دارد خودش را در یک سطح سراسری متشکل میکند.

این نوع تشکل یابی حول آن خط و سیاستی ممکن بود و ممکن شد که پرچمش همیشه در دست حزب ما بوده. خط رادیکال و انسانی، با ارزش های جهان شمول و مضموناً با این پتانسیل که جامعه رو انقلاب هر چه بیشتر منسجم کند، متحد کند، هماهنگ کند و همراه کند.

به نظر من جنبش زن زندگی آزادی دو خصوصیت اساسی دارد. اول، همانطور که



طبقاتی کارگری در سطح جامعه را به دست گرفته‌اند. در صنعت نفت علاوه بر بازنشستگان، اعتراضات کارگران شاغل در بخش‌های مختلف نیز جریان دارد و نفت یک کانون داغ اعتراضی است.

در ۲۷ بهمن همچنین تجمعات اعتراضی پرستاران و کادر درمان مشهد و میلاد تهران را داشتیم. پرستاران که در برابر نرخ نجومی ۹۴ هزارتومانی دلار خواستار افزایش حقوقها متناسب با افزایش قیمت دلار شده‌اند. خواستی که بازتاب‌دهنده شعار "هزینه‌ها دلاریه، حقوق ما ریالیه" در کف خیابان است.

بدین ترتیب زنجیره‌ای از اعتراضات بر سر معیشت و رفاه و علیه فقر و گرانی با ابعادی گسترده و اجتماعی جریان دارد. اعتراضاتی در کنار اعتراضات دانشجویان در دانشگاه‌ها و علیه زندان و اعدام که ادامه انقلاب را فریاد می‌زند. "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" حلقه اتصال این اعتراضات به یکدیگر است.

مندرج در ژورنال شماره ۹۶۵

## زنجیره‌ای از اعتراضات بر سر معیشت و رفاه

شهلا دانشفر

امروز ۲۹ بهمن بازنشستگان مخابرات در نزدیک به ۱۵ شهر تجمع کردند و با سردادن شعارهایشان علیه فقر، گرانی و بساط اختلاسگری‌های حاکم فریاد اعتراض کل جامعه شدند. روز گذشته بازنشستگان تأمین اجتماعی در پنج شهر تجمع کردند و بار دیگر فریاد شریفه محمدی آزادی باید گردد، شریفه فعال کارگری که حکم دوباره اعدام وی صادر شد، به کف خیابان کشیده شد. در کرمانشاه نیز بازنشستگان معترض با فریاد "از کرمان تا تهران، قتل فرزندانمان!" همبستگی خود را با خانواده‌های داغدار دانش‌آموزان جان‌باخته مدرسه فرزنانگان کرمان و با خانواده امیرمحمد خالقی دانشجوی کشته شده کوی دانشگاه تهران ابراز کردند. این بازنشستگان با شعارهایی چون "برق و گاز و معیشت دزدید شده از ملت"، "مالیات بی‌شمار، امکانات اسفبار"، و "هیولای تورم افتاده جان مردم" خشم و اعتراض جامعه را علیه سونامی فقر و گرانی نمایندگی کردند. در شوشتر نیز بازنشستگان با همین فریادها و شعار: "تورم ساعتی، دولت نداری فرصتی" اولتیماتوم خود را به حکومت اعلام داشتند.

۲۷ بهمن نیز شاهد تجمع جمعیت کثیری از بازنشستگان نفت که به تهران آمده بودند تا اعتراضشان را نسبت به تعرضات معیشتی هر روزه حکومت فریاد بزنند، بودیم. جمعیت بزرگی که به نمایندگی از ۸۵ هزار بازنشسته نفت با فریاد "ما منتظر وزیر نفتیم، هیچ جا نمیریم همین‌جا هستیم" وزیر نفت را به چالش کشیدند. در همین رابطه این بازنشستگان بارها تجمع داشته و با شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" پرچم اتحاد

## سخنرانی افتتاحیه ...

از صفحه ۲

گفتم، چپ‌ترین تحولی است که تاریخ ایران به خود دیده است. و من ادعا می‌کنم تاریخ جهان در عصر حاضر و در پنجاه شصت سال اخیر. چپ‌ترین و رادیکالترین تحولی است که نه تنها مضمونا اینطورست بلکه خودش به این واقعیت آشنا و آگاه است. جنبشی که زن زندگی آزادی را به آن معنی می‌خواهد و آنطور تعریف و تعبیر میکند که مورد نظر همیشگی ما بوده، ما چپ‌های انقلابی و کسانی که خواهان تحولات عمیق در جامعه هستیم.

خصوصیت دیگر جنبش جاری این است که در سطح گسترده و سراسری ای با اتکا به تکنولوژی امروز در عرصه‌های مختلف متشکل است. فراخوان میدهد، بیانیه میدهد، به خیابان می‌آید، اعتراض میکند، اعتصاب سازمان میدهد و غیره. به تاریخ پرتحول این دو و نیم سال اخیر نگاه کنید؛ این اعتراضات از هوا نیامده، خود به خودی نیست، فعال و سازمانده دارد، تشکل‌هائی، فعالینی، پیشروانی آستین بالا زده اند که این انقلاب را بسازند. و ساخته‌اند و تا اینجا آورده‌اند.

تمام این‌ها چه چیزی را به ما نشان میدهد؟ ما همیشه گفته‌ایم ما معمار انقلاب نیستیم. هیچکس نیست. هیچکس خالق انقلاب نیست. انقلاب شکل می‌گیرد بخاطر تناقضات و مسائل واقعی طبقاتی ای که در جامعه هست. ولی این را هم ما همیشه تأکید کرده‌ایم که روند انقلاب، جهت پیشروی آن، و تقویت یا تضعیفش تماما به سیاستها و عملکرد احزاب و نیروهای سیاسی بستگی پیدا می‌کند.

بنابراین ما باید نقش خود را اینجا پیدا کنیم. در انقلابی که ما درست چند ماه قبل از شروعش پیش بینی کردیم و پیام دادیم ما همه با هم هستیم، اکنون شعار و آیگون زن زندگی آزادی این با هم بودن را نمایندگی می‌کند. و نه هیچ نوع شعار ملی و نیمچه قومی-ملی، و نه کسی که می‌خواهد اسلام نوع دیگری و یا شاهنشاهی نوع دیگری بیاورد. چنین نیروئی عملا و مضمونا با زن زندگی آزادی نیست و نمیتواند

## پلنوم ۵۸ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

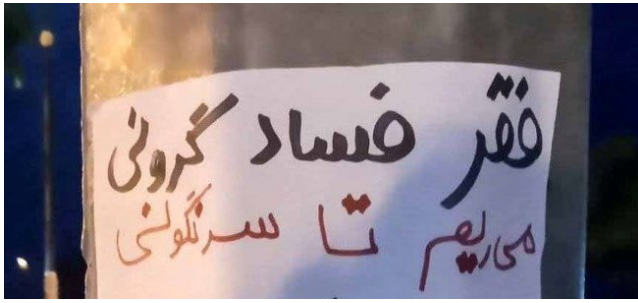


باشد؛ هر اندازه هم از انقلاب ستایش کند و ادعا کند من با انقلاب شما هستم.

حزبی میتواند انقلاب را نمایندگی کند که تأکید میکند بر معنی انسانی مدرن و امروزی زن زندگی آزادی و آنرا از هر چه پیرایه ملی مذهبی، از مذهب نوع دیگر و یا شاهنشاهی نوع دیگر، می‌پالاید، هرس می‌کند و خالص و صریح و روشن میگوید زن زندگی آزادی یعنی آزادی و برابری و رفاه برای همگان؛ یعنی آزادیهای بی‌قید و شرط، رفع همه تبعیضات، و منزلت و معیشت و غیره و غیره. انقلاب به ما جواب مثبت داده و گام مهمی به جلو آمده ایم ولی تبیین مکنونات قلبی و آمال انسانی مردم و خواسته‌های چپ و رادیکال مردم تنها قدم اول است. قدم بعدی این است که ما بتوانیم حول این خواسته‌ها مردم را متشکل کنیم. و بخش هرچه وسیعتری را به نیروهای فعاله‌ای تبدیل کنیم که انقلاب را به پیش ببرند. این وظیفه اصلی ما است.

در این پلنوم بحث بر سر همین است. اینکه چطور حزب میتواند با توجه به شرایط موجود وظیفه اساسی تقویت، متشکل و منسجم کردن، متحد کردن توده مردم انقلابی، و پیش برد و به پیروزی رساندن انقلاب را متحقق کند. در اسناد و در مباحث پلنوم در این مورد صحبت کنیم و امیدوارم بتوانیم به نتایج و راه کارها و شیوه‌های فعالیتی برسیم که بتواند چراغ راه ما باشد در ادامه مبارزاتمان و این نشست نقش اساسی ایفا کند در گسترش و سازمانیابی و نهایتا پیشروی و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی. متشکرم





## کل جامعه را به اتحاد علیه فقر و گرانی فرامی خوانیم!

فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی" و "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" دو شعار استراتژیک و مهم علیه فقر و فلاکت و حقوق‌های شرم‌آوری است که جمهوری اسلامی به کارگران و به اکثریت عظیم جامعه تحمیل کرده است. کارگران و بازنشستگان مدت‌هاست با پرچم اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد به میدان آمده‌اند. زمان آن فرارسیده است که همه ما فعالین و نهادها در بخش‌های مختلف جنبش کارگری، همه فعالین حقوق زن، فعالین جنبش دانشجویی، نویسندگان و هنرمندان، دادخواهان، وکلا، و همه نهادها و فعالین و مردمی که خواهان سرنگونی حکومت نکبت اسلامی هستند، نیز در صفی متحد و یکپارچه علیه فقر و فساد و گرانی به میدان بیاییم.

تضمین شود. کل جامعه باید علیه این وضعیت بلند شود و همراه با بخش‌های مختلف کارگران صف قدرتمندی را در مقابله با مفتخوران حاکم سازمان دهد و خواهان حقوقی متناسب با یک زندگی انسانی برای همه کارگران، معلمان، بازنشستگان، کادر درمان و کارکنان ادارات شود. با بیانیه‌ها و طومارها و فراخوان‌ها با امضای تعداد هر چه بیشتری از چهره‌ها و نهادهای فعال در عرصه‌های مختلف و با پیوستن به تجمعات و اعتراضات کارگران فعالانه از آنها حمایت کنیم.

بودجه‌های هنگفتی که صرف گله آخوند و دم و دستگاه مذهب یا صرف تسلیحات و سرکوب و جاسوسی علیه مردم، صرف گروه‌های اسلامی در منطقه و صرف فساد و دزدی و حقوق‌های نجومی خودی‌هایشان می‌شود باید قطع شود، و صرف دستمزدها و رفاه عمومی جامعه گردد. این را به یک گفتمان و خواست همگانی تبدیل کنیم و همه جا فریاد بزنیم.

حزب کمونیست کارگری همه بخش‌های جامعه و تشکل‌های مختلف مردمی را، دانشجویان و دانش‌آموزان، فعالین حقوق زن، دادخواهان، هنرمندان و نویسندگان و وکلا و همه مردم آزاده را به حمایت از جنبش بر سر معیشت و رفاه فرامی‌خواند.

دست حاکمان دزد و میلیاردر از جامعه کوتاه

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۳ بهمن ۱۴۰۳، ۱۱ فوریه ۲۰۲۵

یک پیشروی مهم مردم در سال‌های گذشته سه جنبش قدرتمند علیه حجاب، دادخواهی و علیه اعدام است. حول این جنبش‌ها اتحاد و همبستگی عمیقی شکل گرفته و این جنبش‌ها هر روز از قدرت بیشتری برخوردار می‌شوند. اتحاد و همبستگی مبارزاتی بخش‌های مختلف جامعه که معیشت‌شان هر روزه مورد دستبرد چپاولگران حاکم است و شکل دادن به صف قدرتمندی از مبارزه علیه فقر و گرانی جبهه دیگری از نبرد مردم با حکومت و در تداوم انقلاب است. جبهه‌ای که در آن کارگران نفت و بازنشستگان و پرستاران در صف مقدم آن قرار دارند. این جبهه را نیز باید با تمام قوا تقویت کرد.

یک خواست مهم این جبهه افزایش دستمزد تمامی حقوق‌بگیران جامعه تا سطحی است که یک زندگی انسانی را تامین کند. داریم به آخر سال نزدیک می‌شویم، به روزهایی که میلیاردرها و حاکمان فاسد اسلامی در مورد دستمزد چندرغاز و چندبار زیر خط فقر برای کارگران تصمیم می‌گیرند تا درآمدهای نجومی آیت‌الله‌ها، آفازاده‌ها و قشر مفتخور حاکم و هزینه نجومی ارگانهای سرکوبشان

## تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در ۱۰ شهر، و نساجی بروجرد

"شریفه محمدی آزاد باید گردد"

همچنین در روز گذشته بازنشستگان تامین اجتماعی علاوه بر شهرهای شوش، اهواز و کرمانشاه که قبلاً گزارش شد در دو شهر رشت و شوشتر نیز تجمع داشتند. در رشت بازنشستگان با فریاد "شریفه محمدی آزاد باید گردد"، اعتراض خود را به صدور مجدد حکم اعدام برای این فعال کارگری اعلام کردند. دیگر شعارهای این بازنشستگان عبارت بودند از: "کارگر معلم اتحاد اتحاد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "اسماعیل گرامی آزاد باید گردد"، و "توروز ذبیحی آزاد باید گردد".

در شوشتر بازنشستگان علیه فقر و گرانی و اختلاس‌گرهای حاکم شعار میدادند "تورم ساعتی، دولت نداره فرصتی"، "حقوق ماریالیه هزینه‌ها دلاریه"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، و "افزایش حقوق سالانه، تورم روزانه".

امروز همچنین کارگران نساجی بروجرد در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه و نیم مزد و مشکلات بیمه درمانی و نداشتن امنیت شغلی برای سومین روز متوالی تجمع و اعتصاب کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ بهمن ۱۴۰۳، ۱۷ فوریه ۲۰۲۵

امروز دوشنبه بیست و نهم بهمن ماه بازنشستگان مخابرات در ادامه مبارزاتشان در اعتراض به فقر و تبعیض و بی حقوقی و چپاولگریهای حاکم در شهرهای مختلف تجمع کردند. بازنشستگان مخابرات همچنین به اجرا نشدن آیین نامه‌ی استخدامی و رفاهی سال ۱۳۸۹ و عدم پاسخگویی به مطالبات خود اعتراض دارند. تجمعات این هفته بازنشستگان مخابرات در شهرهای تهران، ایلام، تبریز، بیجار، کرمانشاه، اصفهان، رشت، اهواز، سنندج، زنجان برگزار شدند. در این تجمعات ستاد اجرایی فرمان خمینی و بنیاد تعاون سپاه که سهامداران عمده مخابرات هستند، هدف شعارهای اعتراضی بازنشستگان قرار گرفتند.

در اصفهان، سنندج، زنجان و رشت بازنشستگان مخابرات مقابل ساختمان مخابرات تجمع داشتند و شعار می‌دادند: "ستاد فرمان امام، مخابرات را برده"، "بنیاد تعاون حق ماها را خورده"، "بازنشسته داد بزن، حقتو فریاد بزن" و "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه". در تهران، کرمانشاه و اهواز نیز بازنشستگان مخابرات در؟ تجمع و راهپیمایی داشتند و شعار میدادند "دشمن ما همین جا است دروغ میگن امریکا است"، "وزیر بی تفاوت نمی‌خوایم، نمی‌خوایم"، و "بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است".

## پیش بسوی اعتصابات سراسری!



## "وطن" مقوله ای سیاسی در خدمت صاحبان قدرت و سرمایه - مهران محبی

علیرضا منادی رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اسلامی چند روز پیش در مصاحبه ای با خبرگزاری "فراز" به سؤالاتی در رابطه با وضعیت حقوقی و معیشتی اساتید دانشگاه ها، پرستاران و معلمان پاسخ داده و اصلاحات و تمهیداتی که برای بالا بردن سطح حقوق این بخش های حقوق بگیر و همچنین تسهیلاتی که برای دانشجویان در دولت پزشکیان انجام گرفته را برشمرده است.

این آقای رئیس کمیسیون در مصاحبه اش هر طور که می خواهد تصویری رضایت بخش از اقدامات تاکنونی و در پیش روی دولت پزشکیان در زمینه معیشتی برای بخش های مذکور ارائه دهد، به مشکل بر می خورد و نهایتاً متوسل به تحریک احساسات بر مبنای وابستگی ها و تعلقات مصنوعی و تراشیده شده ملی، وطنی و غیره می شود تا نیازهای انسانی مخاطبین را پشت غبار "خاک پرستی" کم رنگ کند.

او می گوید: "حقوق پرستاران در خارج از کشور نسبت به ایران بهتر است. در تلاشیم تا حقوق پرستاران افزایش پیدا کند ولی هیچ جا وطن نمی شود."

درست است؛ هیچ جا وطن نمی شود. وطن تا آنجا که به زادگاه و محل رشد و زندگی هر مرحله ای از عمر انسان تعریف می شود، ارزشمند است و برای هر آدمی تاریخ معینی از زندگی اش است که مرور آن جذاب و احساس برانگیز است و قابل تعویض و جایگزینی با هیچ جا و هیچ منطقه، شهر یا کشور دیگری نیست. معلوم است که هیچ انسانی دوست ندارد جایی که خالص ترین خاطرات از احساسات و دوستی مخصوصاً از دوران کودکی و نوجوانی را از آن دارد به کلی به "جا" بگذارد یا حتی زیاد از آن دور شود. بدون شک آنگاه که هر انسانی از آن گذشته "کنده" می شود و هزاران کیلومتر دور می شود، حتماً اجباری و برخلاف احساس و خواست طبیعی اش است.

اما هنگامی که یک عده مفتخور به "وطن" معنای فنا کردن عواطف و احساسات انسانی و نیازهای زندگی برای حفظ منافع خود می بخشند، چیزی غیر از تبدیل کردنش به یک مقوله سیاسی برای تحمیق و به بند کشیدن اکثریت مردم کارگر و زحمتکش نیست.

کاربرد این هويت و ديگر هويت های کاذب شامل خاک، پرچم، ملت و مذهب و غیره حتی فراتر از استعمار و به بردگی کشاندن اکثریت مردم جامعه توسط دولت های نماینده و مدافع منافع طبقات حاکم است. علاوه بر اینکه کارگران یک کشور باید متفرق و جدا از هم شوند تا سرمایه داران و کارفرمایان بتوانند بر آنها فائق آیند و با بیشترین میزان بهره کشی از توانشان سودهای هنگفت به جیب بزنند و سرمایه هایشان را عظیم تر کنند. باید بتوانند هنگامی که نیاز به جنگ دارند تا سرمایه داران و نظام سرمایه داری رقیب خود در کشورهای دیگر را مورد هجوم قرار دهند، نیروی جنگنده و گوشت "دم توپ" کافی داشته باشند و اینجاست که هويت های جعلی مهمترین و کارسازترین ابزارها می شوند تا نیروهای سرکوب و کشتار داخلی و سربازان و قربانیان میدان های جنگ های ارتجاعی از طریق شستشوی مغزی با این خزئیلات به خدمت بگیرند.

ولی همین هويت هایی که جنبه تقدس و تخطی ناپذیری به آنها داده می شود و خاطیان و عبور کنندگان از این خطوط قرمز که معمولاً کارگران و اکثریت مردم کارکن جوامع هستند را به جرائم "وطن فروش، تجزیه طلب، مرتد و کافر و غیره" با شدیدترین و ضد انسانی ترین شیوه ها مجازات می کنند، هنگام احساس خطر، توسط خود حاکمان نقض و لگدمال می شوند.

مردم ایران (کسانی که بالای ۵۰ سال سن دارند) به یاد دارند که در "دی ماه" ۱۳۵۷ محمدرضا شاه که خود را کمر بسته "امام رضا" و بعد از خدا، صاحب و ناجی

ایران می دانست (معنی شعار: خدا، شاه، میهن) چگونه با چمدان های پر از طلا و جواهر و دلار سوار هواپیما شد و بدون اینکه بیاد بیاورد که تا قبل از آن روز به فرماندهان و نیروهای سرکوبگرش فرمان قتل عام مردم در کف خیابان ها را به جرم وطن فروشی و خیانت به کشور صادر می کرد و بدون اینکه نگران کشور و خاک و پرچم شیر و خورشید نشان شود و حتی بدون اینکه نگران جان سرسپردگان خود مانند "نصیری، هویدا، خسرو داد و رحیمی و غیره" بشود، فرار کرد.

حالا جانپیان و دزدان جمهوری اسلامی هستند که جامعه معترض را نزدیک به نیم قرن با همان اتهامات و با چاشنی توهینات به مقدسات مذهبی و اسلامی کشتار و مجازات می کنند. کارگران معترض را به اتهام تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت ملی و جاسوسی برای بیگانگان سرکوب و زندانی می کنند، زنان را به جرم بی حجابی و نپذیرفتن قوانین و سنن ارتجاعی اسلامی سرکوب و به قتل می رسانند، جوانان معترض را در خیابانها کشتار می کنند و به جرم آسیب رساندن به اموال عمومی (آتش زدن سطل زباله) اعدام می کنند و با برچسب زدن هائی مانند تجزیه طلبی و سب النبی برای فعالین اجتماعی و سیاسی احکام اعدام صادر می کنند.

گذشته از این ها، موضوع مهاجرت ها که غارتگری مانند علیرضا منادی آن را تقبیح می کند و طبق نظر او مردم هر چند هم گرفتار فقر و ناداری باشند، باید در به اصطلاح کشور خود بمانند، ولی در مورد خودشان چنین نمی گویند. در حالیکه آقازاده های خودشان (به بیان دقیقتر و طبق شعار بازنشستگان، انگل زاده ها) در کشورهای اروپائی، کانادا و آمریکا در ناز و نعمت زندگی می کنند و مشغول خوشگذرانی و عیش و نوش هستند، از پرستاران و کارگران و جوانان بیکار می خواهند که در ایران بمانند و صدایشان در نیاید.

پاسخ ما مردم به این جنایتکاران این است که حتی اگر ناامنی هائی که ۴۶ سال است حکومت اسلامی بر جامعه حاکم کرده، وجود نمی داشت و همه جا امن و امان بود، بازهم هر انسانی حق دارد به هر کشور و هر جای دیگری که احساس می کند بهتر و راحت تر می تواند زندگی کند، مهاجرت کند. امروز در ایران تحت حاکمیت نظام جنایتکار جمهوری اسلامی هیچ امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ای برای اکثریت مردم باقی نمانده و خیلی از انسانها با هزاران حسرت ناچار به ترک زادگاه و شهر محل زندگی خود شده و همچنان کسانی دیگر به آن فکر می کنند. اما اکثریت مردمی هم که همچنان باقی مانده اند، مخالفان و گورکنان جمهوری اسلامی هستند که در میدان مبارزه برای سرنگون کردنش حضور دارند.

ما پاسخ خود را محکم تر و مهلک تر به حکومت خواهیم داد. اعتراضات خیابانی در دهدشت و سر دادن شعارهای ضد حکومتی شبانه در مقابله با شعارها و مراسمات حکومتی ۲۲ بهمن، اعتراضات همچنان ادامه دار دانشجویان دانشگاه های تهران در اعتراض به قتل همکلاسیشان و پیوستن بازنشستگان به اعتراضات دانشجویان، تجمع چند ده هزار نفری بازنشستگان صنعت نفت در روز ۲۷ بهمن در تهران به موازات اعتراضات پرستاران در مشهد و تهران پاسخ فشرده و نفس گیر ما مردم در همین چند روز گذشته بوده است و انتظار می رود وسیع تر و قدرتمندتر ادامه



## حکم اعدام شریفه محمدی باید لغو شود!

### شریفه باید فوراً آزاد شود!

حکم اعدام شریفه محمدی بار دیگر در یک بی‌دادگاه جمهوری اسلامی تأیید شد. این حکم زیر فشار اعتراضات گسترده اجتماعی در داخل و خارج کشور در مهر ۱۴۰۳ در دیوانعالی کشور نقض شده بود. شریفه فقط یک جرم مرتکب شده است: دفاع از حقوق کارگران و به اتهام عضویت سابق در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری.

جمهوری اسلامی ناتوان از پاسخگویی به ساده‌ترین خواست‌ها و نیازهای زندگی مردم و در حالی که خشم و اعتراض مردم در حال گسترش است، به تشدید سرکوب و اعدام و صدور احکام اعدام بیشتر روی آورده و این تنها وظیفه‌ای است که آدمکشان حاکم در مقابل جامعه به عهده گرفته‌اند. تصور می‌کنند می‌توانند به این شیوه جلوی سرنگونی را بگیرند.

جنبش علیه اعدام، جنبشی که یک سال است سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام را شروع کرده و لغو مجازات اعدام و لغو کلیه احکام اعدام را به خواست و شعاری بسیار فراگیر تبدیل کرده است، جنبشی که با طومارهای صدها هزار نفره و اعتصاب عمومی در کردستان و دهها شکل اعتراضی دیگر در مقابل حکومت قد علم کرده است، با هر حکم اعدامی می‌تواند نیروی بیشتری به میدان آورد و این ابزار آدمکشی

را از جمهوری اسلامی بگیرد. با این نیرو می‌توان حکومت را وادار کرد حکم اعدام شریفه و سایر محکومین به اعدام را لغو کند.

حکم اعدام برای شریفه محمدی را قویا محکوم می‌کنیم و کل جامعه را به اعتراض گسترده علیه احکام اعدام کلیه محکومین به اعدام و پیوستن به کارزار علیه اعدام در ایران و در خارج کشور و تلاش برای آزادی فوری شریفه و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی فرامی‌خوانیم. اعدام قتل عمد دولتی است و باید ممنوع شود!

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۶ بهمن ۱۴۰۳، ۱۴ فوریه ۲۰۲۵

## ادامه کارزار نه به اعدام، تجمع خانواده‌های محکوم

### به اعدام در سقز و تهران و شعاردهی‌های شبانه در

### سالگرد انقلاب

اعتراضات مردمی دور جدیدی به خود گرفته است. امروز ۲۳ بهمن کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام که دامنه اش به ۳۵ زندان کشیده شده وارد پنجاه و پنجمین هفته خود شد. اعضای این کارزار در بیانیه خود به اشاره به افزایش شمار اعدامها و صدور احکام بیشتر اعدام نسبت به خطر اعدام پخشان عزیزی که اعاده دادرسی وی رد شده است هشدار دادند و نوشتند "در صورت خارج کردن خانم پخشان عزیزی از بند عمومی برای اجرای حکم، تدابیر و راهکارهای جدیدی را برای مقابله با این حکم غیرانسانی اتخاذ خواهند کرد و از هیچ تلاشی برای جلوگیری از این جنایت فروگذار نخواهند کرد". در ادامه بیانیه از همه مردم خواسته شده است که به هر شکل ممکن در مقابل اجرای این حکم بایستند. در این بیانیه همچنین به ممنوع الملاقات شدن شماری از زندانیان سیاسی بند زنان و بند ۸ اوین بخاطر اعتراضشان به حکم اعدام و انتقال اجباری دو زندانی سیاسی، بهروز احسانی و مهدی حسن به انفرادی اشاره شده است. حزب کمونیست کارگری از کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام و زندانیان بند زنان اوین و بند هشت آن که ستون محکمی در برابر اعدامها هستند حمایت کرده و بر رفع محدودیت‌های امنیتی علیه آنان تأکید میکند.

در این روز همزمان فعالان مدنی و خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در مقابل زندان اوین و سقز در اعتراض به احکام اعدام تجمع کردند. تجمع‌کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضامین نه به اعدام، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، زن، زندگی، آزادی، برای لغو اعدام اتحاد اتحاد، خواهان لغو مجازات اعدام از محکومیت‌های قضایی، پایان دادن به اعدامها و آزادی زندانیان سیاسی شدند. در ادامه این اعتراضات در این روز مریم یحیوی، زندانی سیاسی، در اقدامی زیبا پس از آزادی با در دست گرفتن پارچه نوشته‌ای نسبت به احکام اعدام اعتراض کرد.

از سوی دیگر به مناسبت سالگرد انقلاب ۵۷ در شامگاه ۲۱ بهمن بخش وسیعی از مردم به شکل میدانی وارد عمل شدند و در پانزده منطقه تهران و در شهرهای کرج،

مشهد، پردیس، اراک، کرمانشاه و شیراز در پاسخ به فراخوان حکومت برای الله اکبر گفتن، شعارهای ضد حکومتی سر داده شد. در این حرکت اعتراضی مردم شعار میدادند: "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر حکومت اعدامی"، "خامنه‌ای حیا کن، بشار اسد رو نگاه کن".

در کوی پاسداران ده‌دهشت کهگیلویه و بویر احمد در دو شب متوالی از سوی جوانان شهر تظاهرات ضد حکومتی انجام گرفت و مردم با بستن جاده با روشن کردن آتش صدای اعتراض خود را بلند کردند. طبق گزارشات در این شب ارتباطات الکترونیکی و اینترنتی ده‌دهشت با یاسوج و شهرهای اطراف آن قطع شده و نیروهای امنیتی از اصفهان به ده‌دهشت گسیل شدند. این اخبار در کنار اعتراضات گسترده مردمی بر سر معیشت فضای خشمگین و انقلابی جامعه را به نمایش می‌گذارد.

تجمعات اعتراضی علیه اعدامها همراه با خانواده‌ها و حرکت‌های اعتراضی از سوی فعالین اجتماعی و زندانیان سیاسی، در کنار کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام فصل جدیدی در جنبش قدرتمند نه به اعدام گشوده است. وسیعاً به جنبش علیه اعدام پیوندیم. تجمعات اعتراضی همراه با خانواده‌ها را در تمام شهرها تکثیر کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ بهمن ۱۴۰۳، ۱۱ فوریه ۲۰۲۵

## "وطن" مقوله‌ای سیاسی ...

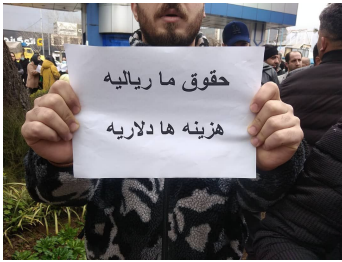
از صفحه ۵

یابد. ما به دزدان و قاتلان حاکم فهمانده ایم که دیگر نمی‌توانند با مزخرفات و هویت تراشی‌های ضد انسانی، جامعه را به تمکین بکشانند.

مردم کارگر و کارکن با سرنگون کردن جمهوری اسلامی "وطن" را از مقوله‌ای سیاسی که در کنار دیگر واژه‌های ملی، قومی و مذهبی منافع یک طبقه معین (طبقه اقلیت حاکم) را تأمین و حراست می‌کند، به مقوله‌ای طبیعی به معنای محل و مکان زندگی که تنها وابستگی‌های احساسی و عاطفی انسانی را عمیق کند، باز تعریف خواهند کرد.



## معیار تعیین دستمزد ما - کارگر کارگاهی - حمید دائمی



مزدبگیران است. جالب است که نه تنها تولید کنندگان و صاحبان کالا و عرضه کنندگان خدمات، که خود دولت هم یکی از آنان است. یعنی خدماتی را که به جامعه می فروشند، به قیمت دلار محاسبه می کند و حتی آب و گاز و برق را بر مبنای قیمت دلار با مصرف کنندگان حساب می کند. اما نوبت به مزد که می رسد، کارگران باید "سماق بمکنند"، چرا که حضرات مشغول غارت و چپاول اند.

مبنای مزد و تعیین سبد معیشتی می بایست بر مبنای دلار محاسبه شود؛ چرا که تمام مبادلات - از بقال و قصاب سر کوچه تا واردکنندگان و تجار مفت بر - بر اساس قیمت دلار تعیین می شود. در یک کلام این شعار نشان دهنده عمق مطالبه مزدبگیران است: "هزینه ها دلاریه، حقوق ما ریالیه". از این مطالبه یک قدم هم به عقب بر نمی گردیم.

موضوع مهم دیگر، مرجعی است که مسئول بررسی و تعیین مزد است. این شورا که به ادعای حاکمیت "3 جانبه" و نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران - این آخری از همه مضحک تر است - آن را تشکیل می دهند، بنظر در عهد "دقیانوس" زندگی می کنند. انصافاً؛ کارکرد این شورای دست ساز که از بالای سر جامعه کارگران و مزدبگیران پرداخته شده، حتی اگر یک بار منطقی، منصفانه و یا چیزی در این حوالی و نزدیک به رقم واقعی هزینه معیشت و زندگی انسانی کارگران و مزدبگیران می بود، قطعاً این همه جار و جنجال بر سر مزد بی معنی می نمود. ما کارگران به همه این سلاخان مزد اعتراض داریم و از بیخ و بن و از اساس با آن مخالفیم. رابطه تعیین دستمزد با زندگی میلیون ها کارگر و خانواده شان، رابطه مرگ و زندگی است. چرا یک نهادی باید جسارت داشته باشد در باره حیات نزدیک به 80 میلیون از جمعیت جامعه تصمیم گیری کند؟ ما کارگران تنها مجمعی را صالح و دارای این امتیاز می دانیم که نمایندگان ما از دل شوراهای سراسری کارگری و دیگر افسار مزدبگیر انتخاب و در یک مجمع تنظیم و تعیین مزد بر اساس آنچه که خواست اکثریت جامعه است، بر سر میز مذاکره بنشینند. تکلیف دولتی ها و نماینده کارفرماها که روشن است. اما این نمایندگان "منصوب به کارگران" که در شورای عالی مزد هستند، تماماً در جهت و مسیر و نماینده خواست و امیال دولت و کارفرمایان هستند و به خواست و مطالبه میلیونها انسان که با صدای رسا فریاد می زنند "منزلت و معیشت انسانی، حق مسلم ماست"، کمترین توجه و اهمیتی قائل نیستند. اگر نه بی درنگ از این مضحکه رقت انگیز دور می شدند و با صدای بلند فریاد می زدند که؛ این جنایتکاران لایق مذاکره نیستند و تنها برای قربانی کردن ما کارگران در محضر سرمایه داران بساط این خیمه شب بازی را پهن کرده اند و تنها لایق سر نگونی اند. چنانکه هر روزه در کف خیابان شعار داده و خواهیم داد، "فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی".

این نکته را هم اضافه کنم. چنانچه به دنبال سرنخ موثقی برای پی بردن به ماهیت این شورای کذایی می گردید؛ توصیه می شود به این جمله دقت کنید: "مطابق گفته ی اعضای شورای عالی کار بررسی قدرت پرداخت بنگاه ها برای دستمزد یکی از زمینه های ورود به جلسات مزدی است." خبرآتلاین به زبان آدمیزاد یعنی اینکه حیات و زندگی کارگران ذره ای برای این هیئت ها و شوراهای دست ساز اهمیت نداشته و تنها بدنبال منافع ذاتی سرمایه و جیره خوانه شان هستند.

یکی از ابزارهایی که طی سالهای حکومت جمهوری دزدان اسلامی - دولتمردان و

با نزدیک شدن به پایان سال، دغدغه دو سویه ما کارگران برای "چگونه پایان یافتن سال؛ با اضطراب پایان ناپذیر همراه است.

از یکسو نیازهای انباشت شده خود و خانواده که در انتظار عیدی و پاداش آخر سال، رویاهای کم رنگ و محقرانه می بافیم، به امید تحقق بخشی از آن. درکنار بی رونقی خانه هامان (یخچال و فریزر و کابینت) که خالی از مواد غذایی و کالاهای ضروری زندگی است، غم و غصه گذران روز را دوچندان کرده و چشم انداز تاریکی از بر باد رفتن آمال و آرزوهای ساده و زمینی، که آنرا "برای یک زندگی معمولی" نام نهاده اند و آنچه در انتظار است نمایان می کند.

از سوی دیگر استرس و دلشوره انتظار مرحمت از دستگاه "شورای عالی کار" که چه به روز مزد خواهد آمد و چگونه آن را سلاخی می کنند؟ و دلهره نفس گیر اینکه، طراحان مزد که بسان "لاشخوران"، چگونه در تکاپوی مسدود کردن و قطع شریان های اصلی حیات هستند؛ که به واسطه آب باریکه ی دستمزد به زندگی ما کارگران تزیق می شود.

هزینه تمام شده دستمزد در تولید رقمی حدود ۲ تا ۱۰ درصد است. حال آنکه سهم دولت (مالیات مستقیم) از این رقم ۱۱ درصد است. غیر از درآمدهای غیر مستقیم که از طریق فروش انرژی و خدمات به بخش تولیدی، تجاری و خدماتی در جامعه کسب می کند. مهم اینکه دریافت سهم کارگران از تولیدات یک هزارم سود و ارزش اضافه خالص سرمایه داران هم نیست.

تمامی دریافتی ما کارگران و مزدبگیران، کفاف حتی یک چهارم هزینه ماهیانه نمی شود. اما سرمایه داران، با همه ریخت و پاش ها، درآمدشان هزاران برابر یک مزدبگیر است و ثروت است که بر روی ثروت افزوده می شود. دولت و عمه و اکره هایش هم از عواید مستقیم و غیر مستقیم این رابطه کار و سرمایه ارتزاق می کند. هم از ما مزدبگیران به هزار و یک حقه و حيله می گیرند و هم مزد خوش خدمتی به صاحبان ثروت و کالا را دریافت می کنند.

دو موضوع اساسی در تعیین دستمزد که از مسائلی است که بدست ما کارگران حل می شود؛ یکی تعیین سبد معیشتی است و دیگری نهادی که متولی تعیین این معیار است.

در مورد موضوع اول بارها از سوی ما کارگران و نهادهای کارگری پیشرو و احزاب و سازمان های عنوان شده است که مبنای تعیین سبد معیشت، هزینه و قیمت تمام شده به میزان اقلام و موارد یک زندگی استاندارد برای هر نیروی کار - چه فیزیکی و فکری - به همراه خانواده و وابستگانش است. یعنی به زبان آدمیزاد شامل همه اقلامی می شود که انسان برای زندگی نرمال نیاز دارد. تغذیه استاندارد، بهداشت و درمان مکفی، تحصیل، آموزش، تحقیق و جستجو، تبادل و تعامل با محیط زیست و اجتماع و کالاها و مواد فرهنگی و هنری و امکان تفریح و سفر و غیره است و نباید از میزان استاندارد جهانی آن پایین تر باشد. موضوع این است که وقتی نوبت ما کارگران می شود، حضرات، نان و تخم و مرغ و سیب زمینی و مواد مرغوب پایین شهری در نظر گرفته می گیرند و ما را لایق آنچه که "از ما بهتران" دارند و تناول می کنند، نمی دانند. نه! ما کارگران و زحمتکشان برای اینکه "شیر فهم" شوید، به شما سر راست می گوئیم: "یک کلام یک کلام مزد بدون تبعیض والسلام". این یعنی اینکه آنچه حضرات وزیر و وکیل - نمایندگان مجلس - برای خود در نظر گرفته و سالها مفت بری می کنید، می خواهیم!

مهم تر از آن، مبنای پرداخت و تعیین سبد معیشت نمی بایست بر اساس ریال، که مادام در حال افت ارزش و سقوط آزاد است باشد. چراکه از یک سو ریال قادر به برابری با نرخ ارز و قیمت طلا نیست و همین بی ارزشی، باعث کاهش قدرت خرید



یک نه قاطع به جمهوری اسلامی گفت که نباید در این مضحکه شرکت کرد و صحبتش را با شعار زن زندگی آزادی پایان داد. آزادی دستگیرشدگان دهدشت خواست همه مردم است. با تجمع همراه با خانواده‌های دستگیرشدگان در مقابل زندان دهدشت و ارگان‌های حکومتی سرکوبگران را وادار به آزادی عزیزانمان کنیم. دهدشت نوک کوه یک جامعه خشمگین و در حال انفجار و اعتراض است. دهدشت صدای مردمی است که از فقر و بی‌تامینی و سرکوب و جنایت‌هایشان به لب رسیده است. مردمی که به اشکال مختلف ادامه انقلاب را فریاد می‌زنند. دهدشت جرقه اول را زد. در این هفته شعاردهی‌های شبانه در تهران و چندین شهر دیگر زنگ شروع دور جدیدی از اعتراضات شبانه را به صدا در آورد. و این درحالیست که نقطه نقطه کشور از خشم و اعتراض می‌جوشد. قیام اعتراضی مردم دهدشت در کف خیابان را می‌شود در تمام شهرها تکرار کرد. با تمام قدرت به حمایت از مردم دهدشت برخیزیم و بار دیگر فریاد رسای زن زندگی آزادی را در سطح سراسری سر دهیم.

جمهوری اسلامی نابود باید گردد

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ بهمن ۱۴۰۳، ۱۲ فوریه ۲۰۲۵

کار ما مزدبگیران در این شعار نهفته است: "این آخرین پیام بدون ما کار شما تمام است". این شعارها، از اساسی‌ترین شعارهای منشورهای ما در انقلاب زن زندگی آزادی بود و برای تحقق آنان می‌بایست از هم اکنون "مجموع عمومی سراسری کارگران و مزدبگیران" را تأسیس کنیم. برای دست‌یابی به معیار حقیقی تعیین دستمزد که جوابگوی معیشت و منزلت یک زندگی انسانی که در این شرایط "تعیین دستمزد به قیمت دلار یا قیمت طلا" و از طرفی برای به کرسی نشاندن این خواست‌ها و مطالبات باید همچنان صف مزدبگیران را از دستگاه‌های حکومتی و دولتی دور نگهداشته و دست به کار تأسیس "شورای سراسری کارگران و مزدبگیران برای تعیین دستمزد" شویم.

این راه زمینه را برای اعمال صف متحد برای تأکید مطالبات مان و همچنین پیشبرد خواست‌های منشور انقلاب انسانی ما که اساس آن آزادی و رفاه و خوشبختی همگان و مبارزه با هرگونه تبعیض، از جمله تبعیض طبقاتی است، فراهم خواهیم کرد.

همقطاران؛ فردا دیر است. هم اکنون که کارگران، بازنشستگان، معلمان و پرستاران و دانشجویان و رانندگان و همه اقشار زحمتکش‌شان جامعه در میدان مبارزه برای معیشت و زندگی اند؛ باید اعتراضات و اعتصابات مان را برای از بین بردن تبعیض و فقر و فلاکت و تورم و اختلاس و فساد گسترده و در نهایت سرنگونی و پایان دادن به عمر جنایتکاران غارتگر سرمایه اسلامی سازمان دهیم.

زنده باد اتحاد سراسری کارگران و مزدبگیران

پیروز باد انقلاب زن زندگی آزادی

## سومین شب خیزش دهدشت، دستگیری شش نفر از معترضین

شب گذشته مردم دهدشت در سومین شب متوالی دست به تظاهرات زدند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. معترضین شجاع در دهدشت در این شب با بدست گرفتن بنری با نوشته از تهران تا دهدشت اتحاد اتحاد، در کف خیابان شعار امسال سال خونه سید علی سرنگونه را سر دادند. در این شب نیروی یگان ویژه در چهارراه‌ها و میادین شهر مستقر شده بودند، اما مردم با آتش زدن لاستیک و روشن کردن آتش در نقاط مختلف شهر به اعتراضات و تظاهراتشان ادامه دادند. بنا بر گزارشات در این سه روز حداقل ده نفر از جوانان دستگیر شده‌اند. اسامی پنج نفر از دستگیرشدگان عبارتند از: عاطفه طاهرینیا، امیرحسین جعفری، پوریا براتی، جابر فروغی و کامران بودری.

بنا به آخرین گزارشات، نیروهای امنیتی به صورت مسلح به منزل فرشاد دستمزدی از معترضین اعتراضات چند روز گذشته دهدشت یورش برده و با تهدید به پدرش گفته‌اند "گفن پسرت را آماده کن". بدین ترتیب خطر جانی او را تهدید می‌کند و موجب نگرانی خانواده و همگان شده است. برخی روایات حاکی از اینست که او از دسترس مامورین خارج شده و تا عصر امروز چهارشنبه دستگیر نشده است. فرشاد دستمزدی کسی است که بنر اصلی اعتراضات دهدشت را در دست داشت و شعارهای ضد حکومتی سر میداد. او از بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی است که در دو مقطع مهر ۱۴۰۱ و مرداد ۱۴۰۲ بازداشت شده بود و پیش از اعتراضات اخیر دهدشت با قید وثیقه دو میلیارد تومانی آزاد شد. دستمزدی در جریان مضحکه انتخاباتی حکومت در خرداد ۱۴۰۳ طی پیامی ویدئویی با گفتن

## معیار تعیین دستمزد ما ...

از صفحه ۷

همپالگی‌های آکادمیستشان - برای خاموش کردن صدای ما کارگران استفاده می‌کنند؛ بهانه "افزایش دستمزد، باعث ایجاد تورم می‌شود" است. این را هم ما مزدبگیران و هم خود این فریبکاران غارتگر می‌دانند که علت این ابر تورم‌ها که زندگی ما مزدبگیران را به تباهی کشانده، نه افزایش دستمزد، که دزدی، اختلاس و چپاول ثروت مردم برای فربه کردن نیروی سرکوب در داخل، پرور کردن نیروهای تروریستی "مخور مقاومتی" و دستگاه‌های عریض و طویل مفتخواران ایدئولوژیک است که آمار و ارقام آن نجومی است و سر به میلیاردها دلار می‌کشد.

ظرف سالهای اخیر همواره دستمزد نزدیک به یک چهارم خط فقر بوده و قبل از اینکه دست ما به پول برسد، قیمت‌ها سر به آسمان کشیدند و گرانی و تورم مانع از دسترسی به اساسی‌ترین کالاها برای زنده ماندن شده است. و معنایش این است که اساساً این مزد نبوده که فاصله بین قیمت کالاها و نیاز مزدبگیران را پر کرده، بلکه هزینه جنگ‌های نیابتی، کاهش چشمگیر صادرات - حتی نفت، با وجود کانال‌های قاچاق سپاه دزدان اسلامی - ناتوانی دولت‌ها در استحصال درآمد نفت و مهم‌تر از همه، رانت‌های هنگفت در به تاراج بردن منابع ارزی و عدم بازگشت آن حتی به شکل کالاهای ضروری و پرمصرف و اختلاس‌ها و دزدی‌های هزاران میلیارد دلاری است. کیست که نداند دولت یکی از ابر بدهکاران به صندوق‌های کارگری و بازنشستگی و به‌خرانه مردمی است. این تاراج و چپاول ثروت مردم است که ذره‌ای از آن صرف خدمات نشده و به خرج چرب کردن سیبل گردن کلفتان خارجی و داخلی رفته است.

خلاصه کلام اینکه برای تحقق این شعارها که "معیشت و منزلت، حق مسلم ماست" و "فقر فساد، گرونی میریم تا سر نگوئی" نیاز به دست‌بکار شدن دارد. چاره





## اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و سه خبر دیگر

### درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید

اعتراضات بر سر معیشت و رفاه و علیه فقر و گرانی گسترده است. امروز ۲۸ بهمن بازنشستگان تامین اجتماعی همانند دیگر یکشنبه ها در اعتراض به سونامی گرانی و اختلاس و سرکوب و عدم پاسخگویی به مطالباتشان در شهرهای شوش، اهواز، کرمانشاه تجمع کردند.

در شوش بازنشستگان از کرخه، هفت تپه و شوش مقابل فرمانداری تجمع داشتند و شعار میدادند: "دولت بی کفایت، مجلس بی خاصیت، به کی کنیم شکایت"، "دولت ورشکسته دیگه به گل نشسته"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "صندوق بازنشسته، برگرد به بازنشسته"، و "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم".

در کرمانشاه بازنشستگان ضمن فریاد اعتراضشان علیه مشکلات معیشتی همبستگی خود را با خانواده های داغدار دانش آموزان کشته شده مدرسه فرزنانگان کرمان و با خانواده امیر محمد خالقی دانشجوی کشته شده کوی دانشگاه تهران ابراز کردند. در این تجمع بازنشستگان شعار میدادند: "از کرمان تا تهران، قتل فرزندانمان!"، "برق و گاز و معیشت دزدید شده از ملت!"، "هم مجلس، هم دولت، دروغ میگن به ملت"، "مالیات بی شمار، امکانات اسفبار"، "ناتوانی دولت، غارت جیب ملت"، و "هیولای تورم افتاده جان مردم".

در اهواز بازنشستگان مقابل استانداری تجمع و راهپیمایی داشتند و با شعار "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" و بنرهایی با نوشته "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "لشکری، کشوری، تامین اجتماعی اتحاد اتحاد"، صحنه پر شوری از اعتراض ایجاد کردند.

اعتراض علیه فقر، تبعیض، بساط سرکوبگریهای حکومت و دزدی ها و نیز قطعی متناوب برق و مازوت سوزیها موضوعات مشترک اعتراضات بخشهای مختلف بازنشستگان و مردم است. افزایش حقوقها متناسب با افزایش نرخ دلار و بالای رقم سبد معیشتی، درمان رایگان، آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی، و پایان دادن به اختلاسگریها خواستههای مشترک آنهاست. بازنشستگان تامین اجتماعی همچنین بر خواستههایی فوری همچون حق تجمع و اعتراض، اجرای کامل همسازی و پرداخت ۲۵ درصد معوقات سال ۱۳۹۹، پرداخت عیدی حداقل دو ماه حقوق همانند کارگران شاغل تاکید دارند.

- امروز بازنشستگان فولاد نیز مثل هفته های گذشته در شهرهای اصفهان و اهواز

تجمع داشتند. در اصفهان بازنشستگان فولاد و معدن در خیابان نشاط تجمع و راهپیمایی داشتند و شعار میدادند "فولادی داد بزن حق تو فریاد بزن"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، و "وعده وعید چه خوب بود، اما همش دروغ بود".

در این روز کارگران پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر نیز در اعتراض به عدم اجرای تبدیل وضعیت کارکنان مطابق با شرکتهای همجوار، عدم اجرای مصوبات مجمع عمومی شرکت و پرداخت نشدن اضافه کار پرسنل مجدداً تجمع داشتند. همچنین کارگزاران بیمه کشاورزی در اعتراض به محرومیت از بیمه مقابل سازمان اداری استخدامی تجمع کرده و شعار میدادند "کارشناس بیمه هستیم اما بیمه نداریم".

- پرسنل بیمارستان میلاد نیز امروز در اعتراض به کاهش مزد مینا در فیشهای حقوقی، تبعیض، عدم پرداخت تعرفه ها و مشکلات حاد معیشتی، تجمع کردند. و بالاخره معلمان نهضت سواد آموزی از سال ۹۲ در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی شان با فریاد "استخدام استخدام حق ماست، این آخرین حرف ماست"، مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۸ بهمن ۱۴۰۳، ۱۶ فوریه ۲۰۲۵

**گزارش تکمیلی:** در این روز همچنین بازنشستگان تامین اجتماعی در رشت و شوشتر تجمع داشتند. در رشت بازنشستگان با فریاد "شریفه محمدی آزاد باید گردد" به صدور مجدد حکم اعدام برای این فعال کارگری اعتراض کردند. دیگر شعارهای این بازنشستگان عبارت بودند از: "کارگر معلم اتحاد اتحاد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "اسماعیل گرامی آزاد باید گردد"، "نوروز ذبیحی آزاد باید گردد".

در شوشتر بازنشستگان علیه فقر و گرانی و اختلاسگریهای حاکم شعار میدادند: "تورم ساعتی، دولت نداری فرصتی"، "حقوق ما ریالیه هزینه ها دلاریه"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "افزایش حقوق سالانه، تورم روزانه"،

## قطعی برق، اختلال تولید در شهرکهای صنعتی، شعاردهی های شبانه



کارخانه و بلا تکلیفی خود برای دومین روز در محوطه کارخانه تجمع کردند. بنا بر خبرها از ابتدای دی ماه سال جاری تولید در این واحد تولیدکننده انواع شمش های فولادی به بهانه

مشکلات مالی متوقف شده و حدود ۳۰۰ کارگر آن در بلا تکلیفی بسر می برند. مدیریت بدهی های معوقه کارخانه به نهادهای دولتی و خصوصی از جمله اداره برق را موجب توقف فعالیت تولیدی کارخانه عنوان کرده است. اما کارگران هلدینگ دانشگاه امام صادق را به عنوان متولی کارخانه، پشت ماجرای توقف تولید و تعطیلی آن میدانند. کارگران اشتغال و پرداخت بموقع مزد را حق مسلم خود میدانند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۴ بهمن ۱۴۰۳، ۱۲ فوریه ۲۰۲۵

اعتراضات بخش های مختلف جامعه را در بر گرفته است. جرقه های اعتراضات خیابانی و شعاردهی های شبانه دوباره زده شده است. از سوی دیگر بخش های مختلف جامعه در اعتراض هستند. حکومت امروز تحت عنوان کمبود سوخت در ۲۵ استان برق را قطع کرد. شب گذشته در نقاط مختلف تهران همراه با قطعی برق شعارهای مرگ بر دیکتاتور سر داده شد. قطعی برق فعالیت تولیدی در مراکز کاری و در شهرکهای صنعتی مختلف را مختل کرده است و امروز بیست و چهارم بهمن ماه کارگران در شهرک صنعتی چهاردانگه با بنری با مضمون "برق نیست، کار نیست، کار نیست، نان نیست" به خیابان آمدند و شعارهای اعتراضی شان را سر دادند.

هم اکنون شهرک های صنعتی با مشکل جدی قطع برق روبرو شده اند. قطعی متوالی و روزانه برق بسیاری از شهرک های صنعتی را با وضعیت بحرانی روبرو کرده و با تعطیلی شیفت های کاری سونامی ای از بیکارسازی به راه افتاده است. این موضوع به فضای اعتراضی در محیط های کارگری شدت داده است.

امروز همچنین کارگران ذوب آهن فولاد خزر گیلان در اعتراض به تعطیلی

## اعتراضات کارگران ارکان ثالث گاز فجر، ذوب آهن فولاد خزر و اخباری دیگر



روز ۲۳ بهمن ماه کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری شرکت پالایش گاز فجر در یکی دیگر از سه شبه های اعتراضی خود با فریاد "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه" پیگیر مطالبات پاسخ نگرفته خود شدند و صدای اعتراضشان را علیه تهدیدات و احضار کارگران معترض توسط حراست شرکت بلند کردند. در این حرکت اعتراضی کارگران معترض با اشاره به نزدیک شدن تعطیلات عید و مشکلات اقتصادی خود تجمع خود را پاسخی به تهدیدات امنیتی مدیریت و حراست اعلام کرده و بر پاسخگویی فوری به مطالباتشان تاکید کردند. خواسته های فوری کارگران در جم عبارتند از افزایش مزد، حذف شرکت های پیمانکاری، اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل، اجرای طرح اقماری تردد برای تمامی کارگران پیمانکاری، همسان سازی حقوق و استفاده از خدمات رفاهی پالایشگاه در شرایط برابر با سایر ارکان استخدامی، کرامت انسانی و امنیت شغلی، گاز کارت، مرخصی، اضافه کاری صحیح و اصولی، حقوق و مزایا متناسب با گرانی و وضعیت بازار و...

کارگران نفت بویژه کارگران ارکان ثالث امروز در صف جلوی مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزدها هستند. از خواسته ها و مبارزاتشان حمایت و پشتیبانی کنیم. در این روز همچنین کارگران کارخانه ذوب آهن فولاد خزر گیلان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خود و بلا تکلیفی شغلی شان در محوطه شرکت دست به تجمع زده و خواهان رسیدگی به خواسته های خود شدند. طبق گزارشات این کارگران در همین رابطه در طول ماهها و هفته های گذشته بارها دست به تجمعات اعتراضی زده اند اما تاکنون هیچ اقدامی از سوی مسئولین استانی و کشوری جهت رفع مشکلات منجر به تعطیلی این مجتمع تولیدی صورت نگرفته است.

تجمع اعتراضی دیگر در این روز مربوط به متقاضیان مسکن ملی قزوین در مقابل استانداری است. در این حرکت اعتراضی جمع کثیری از این متقاضیان در اعتراض به عدم تحویل مسکن های خود و اختلاسگری ها و علی رغم حضور نیروهای سرکوبگر دست به تجمع زدند.

"حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۳ بهمن ۱۴۰۳، ۱۱ فوریه ۲۰۲۵"

## دستگیر شدگان دهدشت باید فوراً آزاد شوند

### از تهران تا دهدشت، اتحاد اتحاد



می گیرند. این موضوع موجب نگرانی شدید خانواده ها شده است.

دهدشت تنها نقطه جوشش این

جامعه نیست. سراسر این کشور در وضعیت انفجاری و خشم و فوران قرار دارد. حکومت اسلامی با سرکوب مردم دهدشت میخواهد فضای اعتراضی در سراسر کشور را عقب براند اما کور خوانده است. مردم از سرکوب، زندان، اعدام، فقر، گرانی و بی تأمینی به جان آمده اند و تا رسیدن به زندگی انسانی کوتاه نخواهند آمد.

حزب کمونیست کارگری دستگیری ها و فشار بر معترضین دهدشت را شدیداً محکوم میکند و همه مردم را به حمایت گسترده و فعال از مردم دهدشت فرا میخواند. بازداشت شدگان دهدشت باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند و تهدیدات امنیتی از روی خانواده های آنان و مردم این شهر برداشته شود. آزادی معترضین دهدشت را همه جا فریاد بزنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۸ بهمن ۱۴۰۳، ۱۶ فوریه ۲۰۲۵"

بنا بر گزارشات از زمان آغاز اعتراضات ضدحکومتی در شهر دهدشت بیش از ۲۰ نفر مردم معترض این شهر بازداشت شده اند. هویت ۹ نفر از آنان عبارتند: عاطفه طاهرنیا، حسین پریسای، علیرضا پریسای، حمید پریسای، امیرحسین جعفری، کامران بوذری، جابر فروغی، پوریا براتی و احمد نورمحمدی. بنا به خبرها نهادهای امنیتی و دستگاه قضایی جمهوری اسلامی خانواده ها را تهدید کرده اند که در صورتی که درباره بازداشت فرزندانشان اطلاع رسانی کنند، پرونده هایشان را سنگین تر خواهد شد و با دیگر اعضای خانواده نیز برخورد خواهند کرد.

طبق گزارشات دو تن از افراد بازداشت شده توسط سرکوبگران حکومت زیر فشار و شکنجه برای اعترافات اجباری و پذیرفتن نقش لیدری و هماهنگ کننده اعتراضات در دهدشت هستند. عده ای از مردم معترض شهر از سوی ماموران سرکوبگر جمهوری اسلامی به "گشته شدن در خیابان با شلیک مستقیم گلوله" تهدید شده اند.

ماموران امنیتی همچنین در روزهای گذشته جهت دستگیری های بیشتر به خانه های برخی از مردم معترض شهر هجوم برده اند و وقتی موفق به بازداشت کسی نشده اند، خانواده ها را مورد تهدید قرار داده اند تا همکاری کنند. و تهدید کرده اند که اگر همکاری نکنند حکم بازداشت و شلیک مستقیم به آنها را از دستگاه قضایی



تأمین اجتماعی، امکان‌پذیر خواهد بود و زمان دقیقی برای پرداخت این مبلغ مشخص نشده است. بازنشستگان به این تصمیم اعتراض کرده و با اعتراض به اختلاسها با فریاد "توبت ما که میشه صندوق خالی میشه" خواستار عیدی آخر سال و دیگر مطالباتشان هستند.

**پنجشنبه ۲۵ بهمن:** - کارگران ارکان ثالث سکوی نفتی بلال به اعتراضات همکاران ارکان ثالث که مدتی است هر هفته جریان دارد پیوستند. در این روز همچنین کارگران ارکان ثالث شرکت نفت فلات قاره در لاوان تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند. - جمعی از فعالین معلم همراه با بازنشستگان تأمین اجتماعی و فعالان کارگری و اجتماعی با ارج گذاشتن به مبارزات رسول بدافی که بعد از سالها حبس به تازگی از زندان آزاد شده دیدار همبستگی داشتند.

- محمدرضا نظری‌نژاد و محمدرضا سروری، وکلای #شریفه محمدی، از صدور مجدد حکم اعدام علیه فعالی کارگری و عضو پیشین کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری خبر دادند. این اقدام جنایتکارانه حکومت با موجی از اعتراض روبرو شده است.

**چهارشنبه ۲۴ بهمن:** - کارگران در شهرک صنعتی چهاردانگه با بنری با مضمون "برق نیست، کار نیست، کار نیست، نان نیست" به خیابان آمدند و شعارهای اعتراضی شان را سر دادند.

**سه شنبه ۲۳ بهمن:** - کارگران ذوب آهن فولاد خزر گیلان در اعتراض به تعطیلی کارخانه و بلا تکلیفی خود برای دومین روز در محوطه کارخانه تجمع کردند.

- کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام که دامنه اش به ۳۵ زندان کشیده شده وارد پنجاه و پنجمین هفته خود شد. اعضای این کارزار در بیانیه خود به اشاره به افزایش شمار اعدامها و صدور احکام بیشتر اعدام نسبت به خطر اعدام پخشان عزیزی که اعاده دادرسی وی رد شده است هشدار دادند

- فعالان مدنی و خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در مقابل زندان اوین و سقر در اعتراض به احکام اعدام تجمع کردند. تجمع‌کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضامین نه به اعدام، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، زن، زندگی، آزادی، برای لغو اعدام اتحاد اتحاد، خواهان لغو مجازات اعدام از محکومیت‌های قضایی، پایان دادن به اعدامها و آزادی زندانیان سیاسی شدند.

- به مناسبت سالگرد انقلاب ۵۷ در شامگاه ۲۱ بهمن بخش وسیعی از مردم به شکل میدانی وارد عمل شدند و در پانزده منطقه تهران و در شهرهای کرج، مشهد، پردیس، اراک، کرمانشاه و شیراز در پاسخ به فراخوان حکومت برای الله اکبر گفتن، شعارهای ضد حکومتی سر داده شد.

**دوشنبه ۲۳ بهمن:** - کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری شرکت پالایش گاز فجر در یکی دیگر از سه شنبه‌های اعتراضی خود با فریاد "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه" پیگیر مطالبات پاسخ نگرفته خود شدند و صدای اعتراضشان را علیه تهدیدات و احضار کارگران معترض توسط حراست شرکت بلند کردند.

- کارگران کارخانه ذوب آهن فولاد خزر گیلان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خود و بلا تکلیفی شغلی شان در محوطه شرکت دست به تجمع زده و خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود شدند.

- متقاضیان مسکن ملی قزوین در مقابل استانداری است. در این حرکت اعتراضی جمع

## کارگران در هفته ای که گذشت: تنظیم کننده کارگر کمونیست

**دوشنبه ۲۹ بهمن:** - بازنشستگان مخابرات در ادامه مبارزاتشان در اعتراض به فقر و تبعیض و بی حقوقی و چپاولگریهای حاکم در شهرهای مختلف تجمع کردند. بازنشستگان مخابرات همچنین به اجرا نشدن آیین نامه‌ی استخدامی و رفاهی سال ۱۳۸۹ و عدم پاسخگویی به مطالبات خود اعتراض دارند. تجمعات این هفته بازنشستگان مخابرات در شهرهای تهران، ایلام، تبریز، بیجار، کرمانشاه، اصفهان، رشت، اهواز، سنندج، زنجان برگزار شدند.

- کارگران نساجی بروجرد در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه و نیم مزد و مشکلات بیمه درمانی و نداشتن امنیت شغلی برای سومین روز متوالی تجمع و اعتصاب کردند.

**یکشنبه ۲۸ بهمن:** - بازنشستگان تأمین اجتماعی همانند دیگر یکشنبه‌ها در اعتراض به سونامی گرانی و اختلاس و سرکوب و عدم پاسخگویی به مطالباتشان در شهرهای شوش، اهواز، رشت، شوشتر و کرمانشاه تجمع کردند. در این روز بازنشستگان فولاد نیز در شهرهای اهواز و اصفهان تجمع داشتند.

- کارگران پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر در اعتراض به عدم اجرای تبدیل وضعیت کارکنان مطابق با شرکتهای همجوار، عدم اجرای مصوبات مجمع عمومی شرکت و پرداخت نشدن اضافه کار پرسنل مجدداً تجمع داشتند.

- کارگزاران بیمه کشاورزی در اعتراض به محرومیت از بیمه مقابل سازمان اداری استخدامی تجمع کرده و شعار میدادند "کارشناس بیمه هستیم اما بیمه نداریم!"

- پرسنل بیمارستان میلاد در اعتراض به کاهش مزد مینا در فیشهای حقوقی، تبعیض، عدم پرداخت تعرفه‌ها و مشکلات حاد معیشتی، تجمع کردند.

- معلمان نهضت سواد آموزی از سال ۹۲ در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی شان با فریاد "استخدام استخدام حق ماست، این آخرین حرف ماست"، مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع داشتند.

- از زمان آغاز اعتراضات ضدحکومتی در شهر دهلشت بیش از ۲۰ نفر مردم معترض این شهر بازداشت شده‌اند. هیت ۹ نفر از آنان عبارتند: عاطفه طاهرنیا، حسین پریسای، علیرضا پریسای، حمید پریسای، امیرحسین جعفری، کامران بوذری، جابر فروغی، پوریا برای و احمد نورمحمدی. بازداشت شدگان دهلشت باید فوراً و بدون قیدو شرط آزاد شوند و فشارهای امنیتی بر روی مردم این شهر و خانواده‌های دستگیر شدگان متوقف گردد.

**شنبه ۲۷ بهمن:** - جمعیت بزرگی از بازنشستگان صنعت نفت تجمع کردند و نسبت به وضعیت مدام وخیم تر معیشتی خود اعتراض کردند. اعتراض این کارگران از جمله به دست اندازی حکومت به صندوق بازنشستگی، طرح ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوقهای ورشکسته و محدودیت سقف بازنشستگی و حق سنوات شان است.

- پرستاران و کادر درمان و فوریت‌های پزشکی مشهد در ادامه اعتراضات خود علیه مشکلات معیشتی و کاری خود مقابل ساختمان علوم پزشکی این شهر تجمع کردند.

- بهروزان استان مازندران نیز تجمع داشتند و یک موضوع اعتراض آنها وضعیت نیروی انسانی حوزه بهداشت و فشارهای سنگین کاری است.

- دادگاه شعبه ۱۰۱ کیفری دو فیروزآباد فارس طی دو پرونده با شکایت سپاه فجر و با اتهام‌های تبلیغ علیه نظام، توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی و توهین به رهبری اصغر امیرزادگان را به ۴ سال حبس محکوم کرد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن گزارش خیر و اعلام حمایت از این معلم مینویسد: صدور حکم زندان برای فعالیت‌های صنفی با اتهامات امنیتی هرگز مانع مطالبه‌گری فعال معلمان نخواهد شد.

**جمعه ۲۶ بهمن:** محمد محمدی، معاون بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی، گفت: در صورت تأمین اعتبار موردنیاز، پرداخت عیدی حدود ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بازنشسته





خوابگاه‌های دانشجویی به جای امنیتی کردن فضای دانشگاه و محاکمه، معرفی و مجازات همه مقصران این حادثه تلخ با شفافیت کامل شده‌اند.

دانشجویان دانشگاه امیرکبیر نیز در بیانیه‌ای که در حمایت از اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران منتشر کردند سرکوب اعتراضات دانشجویی را شدیداً محکوم کرده و اعلام کرده‌اند که عامل اصلی این فاجعه بی‌توجهی مسئولین جمهوری اسلامی و ناتوانی آن‌ها در تأمین امنیت شهروندان و دانشجویان است.

حزب کمونیست کارگری ضمن همدردی با خانواده امیرمحمد خالقی و دانشجویان دانشگاه تهران، از اعتراض دانشجویان قاطعانه حمایت می‌کند و همه مردم همه مردم آزاده، کلیه کارگران و معلمان و بازنشستگان، تشکل‌ها و فعالین حقوق زن، فعالین علیه اعدام، دادخواهان و سایر فعالین و تشکل‌ها را حمایت از دانشجویان فرامی‌خواند. بویژه از دانشجویان کلیه دانشگاه‌ها انتظار می‌رود فعالانه به اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران بپیوندند. دانشگاه یک سنگر مهم آزادیخواهی و دفاع از حقوق زنان و یک سنگر مهم دفاع از کارگران و مردم محروم جامعه است. جا دارد که با تمام قوا از دانشجویان و این سنگر مستحکم انقلاب زن زندگی آزادی حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۷ بهمن ۱۴۰۳، ۱۵ فوریه ۲۰۲۵

## از اعتراضات دانشجویان دانشگاه تهران حمایت کنیم!

دانشجویان دانشگاه تهران از روز ۲۶ بهمن با شنیدن خبر قتل دانشجوی جوان امیر محمد خالقی با خشم علیه مسئولین دست به اعتراض زدند. قتل این دانشجوی ۱۹ ساله که در شامگاه ۲۴ بهمن هنگام مراجعه به خوابگاه و در چند متری در پشتی کوی دانشگاه توسط دو سارق موتورسوار مورد حمله قرار گرفت و صبح روز بعد جان باخت، خشم تلنبار شده دانشجویان را منفجر کرد. دانشجویان بارها به صورت شفاهی و کتبی به مسئولان دانشگاه در مورد فضای ناامن اطراف خوابگاه‌های دانشگاه هشدار داده بودند اما دوربین‌ها همه برای کنترل دانشجویان در داخل دانشگاه و سرکوب آنان نصب شده است.

دانشجویان دانشگاه تهران از روز ۲۶ بهمن دست به اعتراض علیه کشته شدن امیر محمد خالقی زدند، تجمع و راهپیمایی کردند و شعار دادند. اما اعتراض آنان با دخالت نیروهای لباس شخصی و حراست دانشگاه مواجه شد. چهار دانشجوی معترض توسط اوباش سرکوبگر حکومت بازداشت شدند که با تداوم اعتراض دانشجویان یک روز بعد آزاد شدند. اعتراض دانشجویان امروز نیز ادامه یافت.

بیانیه‌ای که توسط یکی از دانشجویان در تجمع روز ۲۶ بهمن قرائت گردید در واقع کيفرخواستی علیه سیاست‌های جمهوری اسلامی، علیه سرکوب، علیه هرگونه شادی و علیه دختران به دلیل بی‌حجابی است. در این بیانیه به عوامل سرکوب دانشجویان و «مدیریت احمقانه و ول‌انگارانه مشی بی‌خرد» که «به هر اعتراضی برچسب امنیتی می‌زند و بجای تأمین حداقل نیازهای دانشگاه صدها نیروی حراست را به کار گرفته‌اند تا جو خفقان را در فضای دانشگاه تشدید کنند و دوربین‌هایشان به جای تأمین امنیت محیط اطراف دانشگاه و خوابگاه در درون فضای دانشگاهی نصب شده تا مبادا کسی نفس بکشد» اشاره شده است. دانشجویان در این بیانیه خواهان رسیدگی فوری به این فاجعه و تأمین امنیت محیط اطراف دانشگاه‌ها و اطراف

## اعتراضات بازنشستگان صنعت نفت و پرستاران و کادر درمان مشهد

ساعت ۹ صبح امروز ۲۷ بهمن جمعیت بزرگی از بازنشستگان صنعت نفت تجمع کردند و نسبت به وضعیت مدام وخیم تر معیشتی خود اعتراض کردند. اعتراض این کارگران از جمله به دست اندازی حکومت به صندوق بازنشستگی، طرح ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق‌های ورشکسته و محدودیت سقف بازنشستگی و حق سنوات اعلام شد. فراخوان این تجمع از قبل داده شده بود و بازنشستگان نفت از شهرهای مختلف به تهران آمده و برای پیگیری مطالباتشان مقابل وزارت نفت گرد آمدند. در این تجمع حضور زنان قابل توجه بود.

هشتاد و پنج هزار بازنشسته نفت که بسیاری از آنها بیش از ۴۵ سال سابقه کار دارند امروز زیر فشار معیشتی سختی قرار دارند و برای پیگیری مطالباتشان بارها تجمع کرده‌اند و با شعار «شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد» پرچم اتحاد طبقاتی کارگری در سطح جامعه را بدست گرفته‌اند.

در تجمع اعتراضی امروز بازنشستگان فریاد می‌زدند: «فریاد فریاد، از این همه بیداد» و «ما منتظر وزیر نفتیم، هیچ جا نمی‌ریم همین جا هستیم» و به این شکل پیگیری مطالباتشان شدند.

امروز همچنین پرستاران و کادر درمان و فوریت‌های پزشکی مشهد در ادامه اعتراضات خود علیه مشکلات معیشتی و کاری خود مقابل ساختمان علوم پزشکی این شهر تجمع کردند. در همین رابطه امروز بهورزان استان مازندران نیز تجمع داشتند و یک موضوع اعتراض آنها وضعیت نیروی انسانی حوزه بهداشت و فشارهای سنگین کاری است. افزایش حقوقها متناسب با افزایش نرخ دلار و تورم، لغو اضافه کاری‌های اجباری و



افزایش پرداختی بابت اضافه کاری‌ها متناسب با نرخ دلار، بهبود شرایط کاری به لحاظ بهداشتی، بازگشت به کار پرستاران اخراجی و استخدام پرستاران قرارداد موقت از جمله خواسته‌های سراسری اعلام شده پرستاران است.

اعتراضات بر سر معیشت و رفاه و علیه گرانی و فقر و بی‌تأمینی بخش‌های مختلف جامعه را در بر گرفته است. اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد شعار متحد کننده صف این اعتراضات است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۷ بهمن ۱۴۰۳، ۱۵ فوریه ۲۰۲۵

از صفحه ۱۱

## کارگرن در هفته‌ای که گذشت...

کثیری از این متقاضیان در اعتراض به عدم تحویل مسکن‌های خود و اختلاسگری‌ها و علیرغم حضور نیروهای سرکوبگر دست به تجمع زدند.

- مردم در شهر اراک نهمین تجمع اعتراضی خود را علیه مازوت سوزی که جنایتی آشکار علیه مردم است و جان و سلامت آنها را به خطر می‌اندازد برگزار کردند.



برابر این سرکوبها برای نجات جان انسانها و در دفاع از انقلاب زن زندگی آزادی جنبشی قدرتمند علیه اعدام شکل گرفته است. این جنبش با گفتمان احکام اعدام تحت هر عنوان و جرمی باید لغو، اعدامها باید متوقف و به مجازات شنیع اعدام باید خاتمه داده شود هر روز دامنه اش گسترده شده و یک کانون مهم آن کارزار سه شنبه های نه به اعدام است. وسیعا به این جنبش پیوندیم.

**چهارشنبه ۲۴ بهمن:** در حمایت از ۵ معلم معترض در خوزستان به اسامی پیروز نامی، علی کروشات، سیامک صادقی چهارزای و کوکب بدافی که بخاطر دفاع از حقوق معلمان در دادگاه بدوی هرکدام به شش سال حبس محکوم شده اند، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان فراخوانی در جهت حمایت از این معلمان و با خواست لغو فوری احکام صادر شده منتشر کرده است. این فراخوان به صورت کارزار اعتراضی جریان دارد و تشکلهای مختلف معلمان طی بیانیه هایی اعتراض خود را به این سرکوبگریها اعلام کرده و بر لغو احکام زندان صادر شده برای همکاران خود و نیز آزادی فوری و بدون قید و شرط معلمان زندانی تاکید کرده اند. واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری از این فراخوان و کارزاری که به جریان افتاده قاطعانه حمایت میکند. به این کارزار پیوندیم.

-تجمع و اعتراض جوانان اهالی شعیبه شوشتر در مقابل درب ساختمان استانداری با مطالبه استخدام در شرکت کشت و صنعت نیشکر و دیگر شرکت ها در شهرستان محل سکونت خود.

**سه شنبه ۲۳ بهمن:** ۸۰ کارگر شرکت بهره برداری شبکه های آبیاری و زهکشی کارون بزرگ به قرارداد موقت پیمانی اعتراض دارند. در برابر تجمعات اعتراضی متوالی این کارگران سازمان آب برق خوزستان به عنوان کارفرمای اصلی مرتبا به کارگران طرح آبیاری کارون بزرگ وعده های بسیاری داده است. اما عملی صورت نگرفته است.

کارگران شرکتی با وجود کار مساوی با همکاران رسمی خود مزدی بسیار ناچیز و نابرابر دریافت میکنند و سالهاست از حق تبدیل وضعیت و امنیت شغلی محروم هستند. مدیریت سازمان آب و برق خوزستان به دفعات به ۳۵ نفر از این کارگران وعده تبدیل وضعیت برای تامین امنیت شغلی را داده است اما اقدامی جدید صورت نگرفته است. آخرین تجمع اعتراضی این کارگران در هفته گذشته انجام گرفت و باز با وعده توخالی مدیریت روبرو شدند. این کارگران خواستار رفع تبعیض و تبدیل وضعیت همه نیروهای شرکتی مشمول طرح آبیاری کارون بزرگ هستند و اولتیماتوم داده اند که اگر پاسخ نگیرند برای اعتراض به وزارت نیرو در تهران مراجعه خواهند کرد.

**دوشنبه ۲۲ بهمن:** بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های گذشته در شهر اهواز برای پیگیری مطالباتشان در سطح سراسری تجمع کردند. بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف با شاعردهی علیه سهامداران عمده مخابرات یعنی ستاد اجرایی و تعاون سپاه، بساط چپاول و غارت حاکم را به چالش می کشند. یکشنبه ۲۱ بهمن

## از خوزستان خبر میرسد؟

۱۹-۲۶ بهمن ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

**جمعه ۲۶ بهمن:** بر اساس اعلام سامانه پایش کیفی هوای کشور، شاخص کیفیت هوا بر اساس اندازه گیری ذرات معلق در آن در اهواز، دزفول، سوسنگرد، آبادان، خرمشهر، در وضعیت ناسالم و قرمز قرار داشت. همچنین هوای اندیمشک، گتوند، شوشتر، هویزه، ماهشهر و رامهرمز در شرایط «ناسالم برای گروه های حساس» و «نارنجی» بوده است. طبق این گزارش بر اساس شاخص ۲/۵ میکرون هوای هیچکدام از شهرهای خوزستان در وضعیت «پاک» نبوده است. آلودگی هوا یک معضل سراسری در ایران است و خوزستان همواره در خط قرمز قرار داشته است. بخاطر آلودگی هوا ما با تعطیلی متوالی محیط های کار و ادارات و مدارس روبرو بوده ایم. اراک یک کانون داغ اعتراض علیه آلودگی هوا و مازوت سوزی است و سه شنبه های اعتراضی را شکل داده اند. این روز را باید در تمام شهرها به روز اعتراض سراسری تبدیل کنیم.

**پنجشنبه ۲۵ بهمن:** مهران قره باغی از بازداشت شدگان اعتراضات آبان ۹۸ است. او در زندان شیپان اهواز به بیماری های مانند گال، بیماری قلبی و کرونا مبتلا شده است اما به دستور مقامات از رسیدگی های پزشکی محروم است.

بنا بر گزارشات مقامات قضایی از تجمیع احکام او جلوگیری می کنند. قره باغی از ۶ سال پیش تا کنون در زندان شیپان اهواز بسر میرد و مقامات و نهادهای امنیتی مانع انتقال وی به زندان بهبهان که محل سکونت خانواده اش است شده اند. گزارشات حاکی از آن است که زندانیان زندان شیپان اهواز با کمبود امکانات، تراکم بالای زندانیان و فشارهای متعدد مواجه هستند و این وضعیت موجب بروز بیماری های متعددی در میان آنان شده است. بویژه اینکه برخی از آن ها سالهاست در حبس به سر می برند. همچنین به دلیل مداخلات امنیتی، زندانیان محبوس در زندان شیپان از دریافت خدمات درمانی محروم هستند و این خود بخشی از شکنجه روحی و جسمی در قبال زندانیان است.

حجت آل محمدی متهم سیاسی اهل ایذه، پنج ماه است که با اتهاماتی چون تبلیغ علیه نظام، اخلال در نظم عمومی و همکاری با گروه های مخالف نظام در زندان شیپان اهواز بسر میرد. او در تاریخ ۲۶ شهریورماه، در منزل شخصی اش در ایذه بازداشت شد و پس از اتمام مراحل بازرجویی از بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز به زندان شیپان منتقل گردید.

- صبح روز چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه، حکم اعدام یک مرد در زندان دزفول به اسم میلاد عطار که با اتهام «قتل عمد» به قصاص نفس محکوم شده بود، به اجرا در آمد. میلاد عطار سال ۹۲ یعنی زمانی که ۲۰ سال داشت، به علت قتل شوهر خواهر خود بر سر مسائل «ناموسی» بازداشت و به قصاص محکوم شده بود. طی این ۱۵ سال میلاد دو بار دیگر هم به پای چوبه دار منتقل شده بود. میلاد و میلادها قربانیان سیستم به غایت وحشی تحت حاکمیت قوانین ارتجاعی حکومت اسلامی هستند. اعدام ابزاری در دست حکومت برای سرکوب جامعه است. بدنبال انقلاب زن زندگی آزادی، جمهوری اسلامی بر شمار اعدامها افزود تا انقلاب را عقب بزند و برای جلوگیری از سر بلند کردن قدرتمند تر آن بر سرکوبگریهایش شدت میدهد. در



## اعتراضات کارگران ارکان ثالث بلال و لاوان، مخابرات آذربایجان شرقی، و داروسازان اصفهان

امروز بیست و پنجم بهمن ماه کارگران ارکان ثالث سکوی نفتی بلال به اعتراضات همکاران ارکان ثالث که مدتی است هر هفته جریان دارد پیوستند. در این روز همچنین کارگران ارکان ثالث شرکت نفت فلات قاره در لاوان تجمع کردند و پیگیری مطالباتشان شدند.

افزایش مزد متناسب با شرایط و گرانی بازار در روزهای نزدیک به عید، حذف شرکت‌های پیمانکاری، اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل، اجرای طرح اقماری تردد برای تمامی کارگران پیمانکاری، همسان‌سازی حقوق و استفاده از خدمات رفاهی پالایشگاه در شرایط برابر با سایر ارکان استخدامی، کرامت انسانی و امنیت شغلی، گاز کارت، مرخصی، اضافه کاری صحیح و اصولی، حقوق و مزایا متناسب با گرانی و وضعیت بازار اینها شماری از خواسته‌های کارگران ارکان ثالث است.

امروز همچنین داروسازان اصفهان در اعتراض به گرانی بیش از ۴۰۰ قلم از داروهای تحت پوشش تامین اجتماعی در مقابل این سازمان تجمع کردند و با فریاد

صندوق پر درآمد چه بر سر تو آمد و شعار دارو کالای لوکس نیست بازی با سلامت است صدای اعتراضشان را بلند کردند.

آخرین خبر اینکه نیروهای پیمانکاری مخابرات آذربایجان شرقی در ادامه اعتراضاتشان برای دومین روز در اعتراض به بی پاسخ ماندن مطالباتشان دست از کار کشیدند. عدم دریافت حق سنوات، تبعیض در پرداختی‌ها و مشکلات مربوط به هزینه‌های درمان از جمله موارد مورد اعتراض این کارگران است.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۲۵ بهمن ۱۴۰۳، ۱۳ فوریه ۲۰۲۵

بازگشت الزامی بیش از ۴۰۰ قلم داروی حیاتی حذف شده از دفترچه های تامین اجتماعی. بازنشستگان تامین اجتماعی بیانیه خود را با شعار "معیشت، منزلت، درمان رایگان حق مسلم ماست" پایان داده‌اند.

اعضای تعاونی مسکن بیمارستان ابوذر در اهواز در اعتراض به عدم تحویل مسکن های وعده شده و بالا کشیده شدن پولهایشان دست به تجمع زدند.

شنبه ۲۱ بهمن: ۶۵ درصد باقی مانده محصولات مزارع نیشکر خوزستان در فصول پاییز و زمستان سوزانده می‌شود و طبق گزارشات دولتی این موضوع اثرات تخریبی در محیط زیست و هوای استان خوزستان گذاشته و اعتراضاتی را هم در پی داشته است. بنا بر گزارشات سالانه یک صد هزار هکتار در خوزستان زیر کشت نیشکر می‌رود که ۳۵ درصد از این مزارع به صورت برداشت سبز و ۶۵ درصد سوزانده می‌شود. این اقدام نیشکر باعث آلودگی هوا و نارضایتی مردم به ویژه در فصل پاییز و زمستان شده است.

ابعاد آلودگی هوا در خوزستان به حدی رسیده است که مقامات حکومتی در این روز جلسه ای اضطراری تشکیل دادند. محمدجواد اشرفی سرپرست اداره کل حفاظت محیط زیست استان خوزستان با اشاره به اهمیت بازیابی گازهای همراه نفت و اثرات آن بر کیفیت هوای استان از دعوت شرکت‌های نفتی اروندان، پالایشگاه بید بلند و پتروشیمی مارون به عنوان پیمانکاران شرکت مناطق نفتخیز در جمع‌آوری گازهای همراه با نفت برای حضور در این نشست جهت گزارشی در خصوص پیشرفت فیزیکی اجرای این طرح خبر داد. او طی سخنان اذعان کرد و گفت "با وجود تعهداتی که برای خاموش شدن فلرهای نفتی گرفته شده اما خوزستان از برنامه‌ها عقب است و در پیگیری‌های انجام شده از سوی دستگاه‌های متولی اعلام کردند با مشکلات مختلفی در این مسیر از جمله تملک اراضی روبرو هستند". طبق گزارشات وضعیت حمل و نقل خوزستان نیز تأثیری هفتاد و دو درصدی بر آلودگی هوای این استان دارد.

در این جلسه بر اختصاص تجهیزات و امکانات کافی برای سنجش آلودگی هوا به منظور اطلاع رسانی به مردم از سوی سازمان محیط زیست تأکید شد. این نشست و گزارشات نشان‌دهنده ابعاد فاجعه بار تخریب محیط زیست و آلودگی هوا در استان خوزستان است که جان و زندگی مردم را به خطر انداخته است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۶ بهمن ۱۴۰۳، ۱۴ فوریه ۲۰۲۵

## از خوزستان خبر می‌رسد ...

از صفحه ۱۳

بازنشستگان تامین اجتماعی همچون یکشنبه های دیگر مقابل این سازمان در شهرهای شوش، اهواز و بازنشستگان فولاد در شهر اهواز تجمع کرده و پیگیری مطالبات خود شدند.

جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز در اعتراض به بی پاسخ ماندن خواسته‌هایشان و دزدی‌ها و اختلاس‌ها از جمله تهی شدن صندوق تامین اجتماعی بیانیه ای منتشر کرده‌اند. در این بیانیه از جمله به بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی به مبلغ بیش از ۳۵۰۰ همت اشاره شده است. بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز در بیانیه خود همچنین طی منشوری هفده ماده ای بار دیگر بر اهم خواسته‌ها و مطالبات خود تأکید کرده‌اند که عبارتند از: اجرای قانون ماده ۹۶، ۱۱۱ و تعیین سبد معیشتی برای افزایش دستمزد با تعیین حضور الزامی نماینده بازنشستگان در جلسات مزدی سالیانه، الزام درمان رایگان، ساخت و تجهیز درمانگاه‌ها و بیمارستانهای ملکی. درغیر اینصورت خواست خرید درمان رایگان در بیمارستانهای غیر دولتی که به توسط سازمان تامین اجتماعی صورت پذیرد، پرداخت معوقات ۴۰ درصدی همسان سازی و درج افزایشی مبالغ آن در پایه حقوقی احکام سال ۱۴۰۳، پرداخت ۲۵٪ باقی مانده متناسب سازی سالهای ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ و معوقات آن طبق برنامه توسعه ۵ ساله ششم، عدم تأخیر در پرداخت حقوق ماهیانه بازنشستگان بدون فوت وقت، حتی در روزهای تعطیلی و واریزی حقوق ماهیانه برای کلیه بازنشستگان در یک روز متمرکز، کوتاه شدن دست ابر بدهکاران دولت‌ها از سازمان تامین اجتماعی، باز پس گرفتن بدهیهای دولت به سازمان تامین اجتماعی، که دولتها ابر بدهکار به سازمان تامین میباشند، پرداخت عیدی بازنشستگان تامین اجتماعی مانند شاغلین، طبق ماده ۹۶، پرداخت حق جنگی، بدی آب و هوا، دوران اشتغال بکار بازنشستگان در مناطق جنگی برحسب ماده ۱۱۲ برنامه ۵ ساله ششم، که بیش از ۱۰ سال از تصویب آن میگذرد، حذف کسر ۲ درصد ماهیانه از فیش های حقوقی بازنشستگان بر مبنای ماده ۸۹ درون سازمانی، پرداخت ۲ درصد از سود شستا به کلیه بازنشستگان، بازگشت بانک رفاه از دست رفته به صاحبان اصلی آن کارگران و بازنشستگان، با سرمایه ای بالغ بر مبلغی بیش از ۳۷ همت، به سازمان تامین اجتماعی، حذف بیمه های تکمیلی، و انعقاد قراردادهای خرید درمانی در بیمارستانهای غیردولتی به توسط کارشناسان مجرب سازمان تامین اجتماعی،





است. بازی ای که بسیار حال بهم زنی شده است و فرقی هم نمیکند طرف چاقو کش تشکیلات سیاه کارگری باشد، یا به مانند این جناب دکتر "دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز"، هر دو یک هدف دارند، تضمین سود سرمایه داران.

این جناب بیش از آنکه حتی نگران زندگی کارگر باشد نگران "افزایش هزینه‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط" که با پیشنهاد ایشان ممکن است ورشکست شوند. خواننده این یادداشت خوب به رندی این جناب دقت کند، کارگاههای کوچک نه در نتیجه کارکرد نظام تولید سرمایه داری، بلکه صرفاً بخاطر افزایش دستمزد کارگران است ورشکست میشوند!

این جناب برای رفع نگرانی کارآفرینان محترم پیشنهاد کرده است که ایشان از سوی دولت از یک سری معافیتهای مالیاتی برخوردار شوند. باز همین جا مکث کنیم.

کسی تا حالا شنیده است که یک کارشناس حوزه کار و دولت برای جبران پایین بودن حقوق کارگران، کارگران را مثلاً از پرداخت مالیات بطور کل معاف کنند. و لازم به ذکر است آنجا هم که دریافتی کارگری شامل معاف مالیاتی میشود، این است که نشسته اند بطرز عجیبی دقیق حساب کرده اند که اگر سقف دریافتی یک کارگر به آن حدی نرسید که ایشان محاسبه کرده اند، منت سر کارگر گذاشته و حقوق دریافتی اش را که حتی به حد چندین برابر زیر خط فقر هم نرسیده است، معاف از مالیات کرده اند. و این هم بسیار لبه مرزی است، یعنی کافی است دریافتی کارگر یک ریال از آن حد بیشتر شود، بی هیچ تردیدی بسیار سریع مالیات از حقوق کارگر کسر میگردد.

اگر "تصمیم سازان" در شرایط "حساس و پیچیده" نگران نبود انگیزه نزد کارگر هستند، برای یکسال هم شده، کارگر را از پرداخت سهم بیمه تامین اجتماعی معاف سازند و دولت قبول کند خود پردازد. این پیشنهادها اما سم است، برای تولید سرمایه داری سم است، چون بقول کارگران "از سود ضرر میکنند!"

اما برعکس این قضیه همیشه ممکن بوده است. به روایت همین جناب دکتر در برنامه چهارم توسعه حکومت اسلامی سرمایه "برای استخدام هر نیروی کار بنگاه‌ها از ۲۰ درصد از حق بیمه کارفرما معاف شده و دولت خود متعهد پرداخت بود." یا کارگاههای زیر ده نفر را از شمول قانون کار مستثنی کردند و کارفرما هر طور خواسته با کارگر رفتار میکند؛ و یا با تعیین مناطق ویژه اقتصادی، آن مناطق را به جزیره خود مختار برای کارفرمایان تبدیل ساختند. و باید توجه داشت این مناطق، اساساً مناطقی هستند که صنایع در آنجا در اختیار باندهای حکومتی قرار دارند.

دلواپسی این جناب دکتر "افزایش هزینه‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط" در صورت افزایش دستمزدها بیشتر از نرخ تورم اعلامی، تمامی ندارد و برای همین به دولت پیشنهاد کرده: "از بنگاه‌هایی که درآمدهای بالایی دارند و مشمول معافیت مالیاتی هستند (مثل آستان قدس، بنیاد مستضعفان و...)، مالیات اخذ کند. به علاوه، ضمن تلاش بیشتر برای کاهش فرار مالیاتی گروه‌های پرنفوذ و پردرآمد، از ابرثروتمندان (که حتی درآمدشان با ثروتمندان معمولی هم فاصله‌ای نجومی دارد)، مالیات‌هایی با نرخ‌های تصاعدی بیشتر اخذ کند و منابع اضافه‌شده از این سیاست را صرف پرداخت امتیازات و معافیت‌های بیان‌شده در بالا برای جبران افزایش دستمزد توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط کند تا مانع تعطیلی یا ورشکستگی احتمالی این بنگاه‌ها و در نتیجه افزایش بیکاری شود."

## دستمزدها و "زندگی معمول" کارگران

### یاشار سهندی

احمد میدری وزیر نامحترم کار جمهوری اسلامی، چندی پیش به "کارشناسان حوزه کار" (اسم رمز همه کسانی که از استعمار کارگر نفع میبرند) فراخوان داده بود تا "نظر کارشناسی" خود را در مورد افزایش دستمزدها اعلام بفرمایند، تا ایشان راحت تر "تصمیم سازی" کند که کارگر با چه مقدار دستمزد میتواند سر پا بماند و در عین حال "تبعات اجتماعی" هم در پی نداشته باشد. در پی این فراخوان آقای بی نام "دکتر مرتضی افقه" در روزنامه حکومتی دنیای اقتصاد "نظر کارشناسی" خود را مکتوب نموده اند.

ایشان با توجه به "پیچیدگی و حساسیت" تعیین دستمزد، پیشنهاد کرده است که دستمزدها بیشتر از "نرخ تورم اعلامی" تعیین شود، ایشان این امر را "اجتناب‌ناپذیر" دانستند تا کارگر دل به کار بدهد. همین جا مکث کنیم.

ایشان به منظور "افزایش انگیزه همکاری، مشارکت و دلسوزی در افزایش تولید" از سوی کارگر، پیشنهاد فوق را برای افزایش دستمزد ارائه داده است. این جناب دکتر همه چیزی که برای کارگر در نظر دارند تامین هزینه یک "زندگی معمول" است.

بنا به باور ایشان و نه تنها ایشان بلکه کل مجموعه استمارگران، اعم از "کارشناسان حوزه کار و تولید، و کارفرمایان محترم" ابتدا به ساکن "کارگر موجودی است از زیر کار دررو(!)"، و نیز اینکه در نگاه ایشان کارگر موجودی است حقیر که مثلاً با یک کیسه برنج تطمیع میشود؛ (بیاد بیاورید حرفهای مطهری نماینده مجلس نکت اسلامی که در مورد زنده یاد ستار بهشتی، کارگر و بلاگ نویس که زیر شکنجه پلیس فتا کشته شد.) "افزایش انگیزه همکاری" در نزد ایشان تنها به این خلاصه میشود که حالا یک چیزی علاوه بر دستمزد به کارگر بدهند، او راضی است!

تمام آن چه موجب کشتن انگیزه در کارگران میشود، رفتار فریبکارانه و تحقیر آمیز همه کارفرمایان، و در مورد بحث ما کارفرمایان "بنگاههای کوچک و متوسط" است؛ و اینکه کارگران صبح تا شب کار میکنند اما نهایتاً آن چیزی که عایدشان میگردد حقوق ناچیزی است که آنرا هم بیشتر وقتها با التماس و دعوا و اعتراض باید به دست بیاورند. و نه تنها این، بلکه بارها مشاهده کردم که کارگری بنا به نیاز کارگاه و در عین حال اینکه در نهایت پولی به عنوان "پاداش" بدست بیاورد، به کارفرما پیشنهاد داده که میتواند با امکانات موجود کارگاه، فلان ابزار را بسازد، و از این بابت هزینه سنگینی روی دست کارفرما نماند. کارفرما ابتدا استقبال میکند و خود وعده میدهد "پاداش خوبی در نظر دارد"، اما همینکه نیازش بر طرف میشود همه چیز پاداش می‌رود، حتی با یادآوری های مکرر کارگر به وعده های او.

جناب دکتر مرتضی افقه هم به مانند همه "کارشناسان حوزه کار" یک طرفه به قاضی می‌رود و این همه تنها برای یک امر است تضمین سود سرمایه، که جناب دکتر به مانند همه کارشناسان که علم شان در خدمت بورژوازی ست اسمش را "بهبود بهره‌وری نیروی کار" گذاشته است.

"یک زندگی معمول" تمام سخاوتمندی کارشناسان حوزه کار در حق کارگر است؛ و سوال اینجاست این "زندگی معمول" را چه کسی تعریف میکند؟ وقتی با کسانی که همه هم و غم شان بهبود بهره‌وری نیروی کار، یعنی بیشتر از کارگر کار کشیدند است، زندگی معمول را در "سبد معیشت"ی تعریف میکنند که خود با توجه به هزینه "زندگی معمول" همین روزها شدیداً زیر خط فقر است.

امسال هم، همه آنهاپی که از روی شکم سیری تصمیم سازی میکنند، زحمت کشیدند و سبد معیشت را سی میلیون در نظر گرفتند؛ و برای رسیدن به این حد این را در نظر دارند که یک کارگر باید در یکماه به اندازه دو ماه کار کند که با همین دریافتی اش باز هم به حد سی میلیون نخواهد رسید. این البته بازی هر ساله مزدوران سرمایه



## به کارزارهای گسترده ضد اعدام بپیوندید!

کارزار گسترده در حمایت از شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی و دیگر زندانیان

صدور دوباره حکم اعدام برای شریفه محمدی فعال کارگری اعلام جنگ دیگری به همه زنان و کل جامعه است. همانطور که در دور اول اعلام حکم اعدام شریفه محمدی توانستیم با کارزاری قدرتمند دیوان "عدالت" کذابی جمهوری اسلامی را عقب بزنیم، این بار نیز با اعتراضات گسترده خود صدور مجدد این حکم را برای حکومت گران تمام خواهیم کرد.

صدور حکم مجدد اعدام شریفه محمدی این چهره محبوب کارگری تا هم اکنون با موجی از اعتراض روبرو شده است. از جمله در کمتر از ۲۴ ساعت ۶۱۰ نفر از فعالین و مردم آزادیخواه با پیوستن به زنجیره "نه به اعدام شریفه محمدی" خواستار لغو حکم این فعال کارگری شدند. و مدیای اجتماعی از اعتراض علیه حکم مجدد اعدام علیه وی موج میزند.

علاوه بر شریفه محمدی هم اکنون خطر اعدام، پخشان عزیزی، وریشه مرادی، عباس دریس، و مجاهد کورکور را تهدید میکند و بیش از پنجاه نفر از زندانیان سیاسی و عقیدتی حکم اعدام دارند. کارزارهای حمایت از این عزیزان همچنان با قدرت جریان دارد. از جمله بیش از ۵۰۰۰ نفر طومار "نجات جان پخشان عزیزی" را همراهی کرده اند. کارزار جهانی نه به اعدام به این اعتراضات پوششی گسترده داده است.

تشکلهای مختلف کارگری و اجتماعی یک ستون محکم اعتراض علیه اعدام و سرکوب هستند. تشکلهای مختلف کارگری و اجتماعی از جمله ندای زنان ایران، نهاد دادخواهان، اتحادیه آزاد کارگران، نهاد اعدام نکنید و کانون نویسندگان ایران طی بیانیه هایی تایید دوباره حکم اعدام شریفه محمدی و احکام صادر شده برای پخشان عزیزی و وریشه مرادی و دیگر احکام اعدام را محکوم کرده اند. کانون نویسندگان در بیانیه ای تحت عنوان "نه به اعدام به هر بهانه" صدور احکام اعدام را محکوم کرده و خواهان توقف این ماشین نفرت‌انگیز "تولید جسد و تشدید توحش"، و لغو بی چون و چرای همه احکام اعدام شده است. در خاتمه مینویسد "صدور حکم اعدام برای

پخشان عزیزی، وریشه مرادی، شریفه محمدی، بهروز احسانی، مهدی حسنی، منوچهر فلاح و پژمان سلطانی فقط گواهی آشکار بر استبداد و آزادی‌کشی حاکمیت است."

در حالیکه اعتراضات مردمی علیه جهنم جمهوری اسلامی و بر سر معیشت و حقوق انسانی می‌رود که به خیزش های شهری گسترده تبدیل شود و در همین روزها خیزش مردم دهدشت و شعاردهی های شبانه ضد حکومت در تهران و شهرهای متعددی را شاهد بودیم، حکومت اسلامی وحشت زده با صدور احکام بیشتر اعدام و افزایش اعدامها و با تشدید سرکوبگریهایش می کوشد جامعه را عقب بزند.

اما اعتراضات گسترده تر کارگران و مردم در همین روزها، و فریاد رسای "درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید" در تجمعات بازنشستگان و سه روز اعتراض جانانه در دانشگاه تهران علیه قتل یک دانشجو پاسخ محکمی به حکومت اعدام و کشتار است.

با قدرت این مبارزات میتوان جلوی اعدام ها و سرکوبگریهای حکومت را گرفت و بساط جهنمی جمهوری اسلامی را جارو کرد. شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی، عباس دریس، مجاهد کورکور باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند. احکام اعدام باید فوراً لغو، اعدامها متوقف و مجازات شنیع اعدام با هر جرمی باید ممنوع شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

۲۸ بهمن ۱۴۰۳، ۱۶ فوریه ۲۰۲۵ (از مدیای اجتماعی)

است؛ معیشت و منزلت؛ و برای دست یابی به این مهم این خود کارگر است که باید در این مورد "تصمیم سازی" کند؛ چند و چون یک زندگی معمول را خود کارگر باید تعریف کند، نه کسانی که مفتخوری شان با استثمار کارگران تامین و تضمین گردیده است.

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

تولیت

فرکانس ۱۱۳۸۷

اقتی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یادست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

افادای سی ۲/۳

KANAL DODAJ جدید

## دستمزدها و "زندگی معمول" ...

از صفحه ۱۵

هر وقت، هر کسی توانست پشت گوش خود را ببیند، حکومت اسلامی که شالوده اساسی آن بر باندهای مافیایی خوفناک تشکیل شده است که بر کل ثروت جامعه چنبره زده اند، میتواند شاهد باشد این "بنگاهها" و "گروههای پرنفوذ و پردرآمد، از ابرثروتمندان" مالیات پرداخت خواهند کرد. در این مورد خاص بیشتر از این زیاده عرضی نیست!

بهرحال یک چیز روشن است تا وقتی کسانی که از استثمار کارگر نفع میبرند، و ایشان برای دستمزد کارگر "تصمیم سازی" میکنند، نتیجه اش میشود همین پیشنهادهای این جناب دکتر و حقه بازیهای کثیف تشکلات سیاه دست ساز حکومتی، که در آخر سال به نمایش میگذارند.

آنچه در این میان بسیار مهم و بقول این عالی جنابان "مغفول" می ماند این است که کارگر بعنوان صاحب کالای نیروی کار، پیش و بیش از هر کسی حق دارد که در مورد فروش کالای خود یعنی نیروی کارش تصمیم بگیرد.

تنها یک راه برای حصول و تامین واقعی یک زندگی معمول برای کارگر است، اساس این زندگی معمول هم در شعار کارگران در طی سالهای گذشته تاکید شده

## صدور مجدد حکم اعدام علیه شریفه محمدی را قویا محکوم میکنیم و خواهان لغو فوری آن هستیم



صدور مجدد حکم اعدام علیه او را قویا محکوم میکنم و با تاکید بر لغو فوری این حکم، همراه و همدوش با همه تشکلهای مستقل کارگری، کارزار سه شنبه های اعتراضی نه به اعدام، نهادهای حقوق بشری و توده های مردم آزادیخواه ایران، خواهان لغو حکم اعدام از جرایم سیاسی و غیر سیاسی و آزادی کلیه زندانیان سیاسی در بند از زندانهای سراسر کشور است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۲۵ بهمن ماه ۱۴۰۳  
#نه\_به\_اعدام (از مدیای اجتماعی)

به رغم نقض حکم اعدام شریفه محمدی در مهر ماه سالجاری در دیوانعالی کشور، دادگاه هم عرض بار دیگر او را با اتهامات واهی به اعدام محکوم کرد.  
#شریفه\_محمدی از اعضای سابق کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری است که هیچ جرمی جز دفاع از حقوق انسانی کارگران مرتکب نشده است.

صدور حکم ضد انسانی اعدام در طول ماههای گذشته علیه فعالین کارگری و مدنی و جوانان معترض در حالی تشدید شده است که شیرازه های اقتصادی و اجتماعی کشور در حال فروپاشی است و حکومت بدون تقبل هرگونه مسئولیتی در قبال آن، تنها وظیفه ای را که برای خود قائل است تشدید سرکوب و وحشت آفرینی در جامعه از طریق صدور حکم اعدام و دیگر احکام سنگین قضایی علیه جوانان معترض و زنان و مردان آزادیخواهی چون شریفه محمدی ها و تمام انسانهای شریفی است که به وضعیت غیر قابل تحمل موجود اعتراض دارند و خواهان تغییرات اساسی در سیاستهای ویرانگرانه حاکم بر کشور هستند.  
اتحادیه آزاد کارگران ایران با اعلام همبستگی با کمپین دفاع از شریفه محمدی،

## شریفه محمدی فعال کارگری دوباره به اعدام محکوم شد. اجازه نمی دهیم!

صدور دوباره حکم اعدام برای #شریفه\_محمدی زن جوان و فعال کارگری، تاکید دوباره حاکمیت، بر سیاست سرکوب، خشونت و اعدام است.

در دور اول اعلام حکم اعدام شریفه محمدی با اعتراضات وسیع خود توانستیم دیوان عالی کشور را عقب بزنیم. این بار با پاسخ محکمتری مقابل بیدادگاه هم عرضی که حکم دوباره اعدام شریفه محمدی را صادر کرده است می ایستیم. چنین احکامی باید برای حکومت گران تمام شود.

شریفه محمدی یک چهره محبوب کارگری است، در دور اول اعلام حکم اعدامش شعار "شریفه محمدی آزاد باید گردد" به شعار اعتراضی کف خیابانی بزنشستگان تبدیل شد. این دور رساتر و گسترده تر این شعار را در همه جا سر میدهیم.

حکم اعدام برای زنان مبارزی چون #شریفه\_محمدی #پخشان\_عزیزی و #وورشه\_مرادی نتیجه وحشت حکومت از اعتراضات جاری در میان همه مردم و زنانی است که در جریان #انقلاب\_زن\_زندگی\_آزادی ثابت کرده اند، که برای پایان دادن به تبعیض و خشونت و اعدام یکصد هستند.

پاسخ حاکمیت در برابر اوج گیری اعتراضات گسترده مردم در تمام عرصه های معیشتی و اجتماعی حاکم، تنها بر پا نگهداشتن بساط اعدام و صدور پی در پی احکام قتل حکومتی است و هیچ پاسخی جز سرکوب برای فقر، ناامنی، قتل و خشونت علیه زنان کودکان و مردم به جان آمده، ندارد.

هر چه حکومت تلاش می کند با صدور احکام اعدام و برپا نگه داشتن بساط قتل و کشتار حکومتی، ترس و ارعاب را اشاعه دهد، مردم بیشتری در صف متحد علیه همه بساط جنایت یک صدا می شوند.

"ندای زنان ایران"، ضمن محکوم کردن صدور مجدد حکم اعدام بر شریفه محمدی، زنی که برای بهتر کردن زندگی انسانها قدم برداشته است، انزجار خود را علیه همه احکام اعدام و اجرای قتل حکومتی، اعلام می دارد و همه تلاش خود را برای پایان دادن به بساط قتل و کشتار حاکم به کار می بندد.

با زنجیره های اعتراضی، با شعاردهی در تجمعات، و همراهی با تجمع خانواده های محکوم به اعدام، با بیانیه های اعتراضی محکم و قاطع، و به هر شکل که میتوانیم



صدای اعتراضمان را علیه این احکام جنایتکارانه بلند میکنیم.

پس از صدور رای مجدد حکم #اعدام برای شریفه محمدی فعال کارگری محبوس در زندان لاکان رشت، در کمتر از ۲۴ ساعت ۶۱۰ نفر از فعالین و مردم آزادیخواه با پیوستن به زنجیره «نه به اعدام شریفه محمدی» خواستار لغو حکم این فعال کارگری شدند.

همچنین زنجیره "جان پخشان عزیزی در خطر است" با همراهی ۵۲۸ نفر از کاربران در جریان است.

پتیش "نجات جان پخشان عزیزی" خبر از همراهی بیش از ۵۰۰۰ کاربر داده است. گسترش اعتراضات متحد ما زنان و مردم آزادیخواه، بساط اعدام، زور و ارعاب را کنار خواهد زد و راهگشای پیشبرد مبارزاتمان علیه نابرابری، تبعیض، فقر و فساد حاکم می باشد

به همه انسانهایی که برای نجات جان #شریفه\_محمدی، #پخشان\_عزیزی و #وورشه\_مرادی و دیگر انسانهای زیر حکم اعدام، تلاش می کنند درود می فرستیم و بیش از پیش از همه نهادها و سازمانها، تشکلهای مردم آزادیخواه سراسر دنیا می خواهیم علیه #اعدام و نسل کشی حکومتی در ایران متحد و یکصد شویم!  
(از مدیای اجتماعی)



## FREE THEM NOW

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

FREE SHARIFEH MOHAMMADI NOW!



FREE ALL JAILED LABOUR  
ACTIVISTS IN IRAN NOW!

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

مثبت دهند.

جمهوری اسلامی باید بخاطر همه جنایاتش در قبال زنان، کارگران، کودکان و مردم ایران در سطح جهان باید بایکوت و منزوی شود. اکنون که در آستانه برگزاری اجلاس سالانه سازمان جهانی کار هستیم. فشار بیاوریم و بخواهیم که نمایندگان این حکومت ضد کارگر و ضد بشر از این نهاد اخراج شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://free-them-now.com/>

۲۷ بهمن ۱۴۰۳، ۱۵ فوریه ۲۰۲۵

## جانان حاکم مجددا حکم اعدام شریفه محمدی را تأیید کردند!

برای دفاع از شریفه فوراً دست به کار شویم

حکم اعدام شریفه محمدی فعال کارگری که در نتیجه اعتراضات بسیار در مهر ماه ۱۴۰۳ در دیوانعالی جمهوری اسلامی نقض شده و جهت بررسی مجدد به دادگاهی هم عرض سپرده شده بود، مورد تأیید این دادگاه کذایی قرار گرفت و اکنون مجدداً جان شریفه این فعال کارگری در خطر است. باید به هر شکل ممکن دست به اقدام بزنیم و مانع جنایتی دیگر علیه فعالین کارگری شویم.

شریفه محمدی یک فعال کارگری و مدافع حقوق کارگران است و اساساً به اتهام عضویت سابق در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری به او حکم اعدام داده شده است.

جرم شریفه، دفاع از حقوق کارگران است. حکم اعدام برای شریفه، یک دهن کجی و تعرض آشکار علیه مردم و کارگران توسط جانان منفور اسلامی است. میتوانیم با کارزاری گسترده و جهانی کاری کنیم که این حکم فوراً نقض و شریفه محمدی و دیگر عزیزانی چون پخشان عزیزی، وریشه مرادی، عباس دریس، مجاهد کورکور که زیر خطر اجرای حکم اعدام هستند بدون قید و شرط آزاد شوند.

مجازات شنیع اعدام با هر اتهام و جرمی باید ممنوع شود و از جامعه برچیده شود. احکام صادر شده اعدام باید لغو و اعدام‌ها فوراً متوقف شود. کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. تجمع، اعتراض، تشکل، تحزب، حقوق پایه ای کارگران و همه شهروندان جامعه است.

فری دم ناو، کمپین برای آزادی کارگران زندانی از همه اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای اناساندوست خواستار آنست که به هر شکل ممکن به حکومت اسلامی فشار بیاورند و خواستار لغو احکام اعدام شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی، عباس دریس، مجاهد کورکور و تمامی احکام اعدام در ایران شوند. حمایت شما از کارزار لغو اعدام شریفه و دیگر زندانیان، را ما در برنامه‌های تلویزیونی کمپین برای آزادی کارگران بازتاب خواهیم داد و خود این فشار جدی ای را روی حکومت اسلامی میگذارد. امیدواریم شمار هرچه وسیعتری از اتحادیه‌ها به این کارزار پاسخ

## سخنرانی مسعود ارژنگ در نشست حمایت از انقلاب زن زندگی آزادی، جنبش کارگری در ایران و علیه اعدامها



کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۶ بهمن ۱۴۰۳، ۱۴ فوریه ۲۰۲۵

<https://free-them-now.com/> , [shahla.daneshfar2@gmail.com](mailto:shahla.daneshfar2@gmail.com)

روز ۲۵ بهمن در جلسه کمیته رهبری اتحادیه کارگران بخش خدمات عمومی (BCGEU) در ونکوور کانادا مسعود ارژنگ معاون دبیر کل این اتحادیه در حمایت از انقلاب زن زندگی آزادی و جنبش کارگری در ایران و در محکومیت سرکوبگریهای جمهوری اسلامی و اعدام‌ها سخنرانی کرد و همه فعالین اتحادیه و کارگران را فراخواند که سیاستهای جمهوری اسلامی علیه کارگران و مردم در ایران را محکوم کنند. این برنامه به فراخوان واحد ونکوور کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) برگزار شده بود. بی سی

جی ای یو یکی از اتحادیه‌های هیست که همواره همبستگی و حمایت خود را از خواستها و اعتراضات کارگران و مردم ایران اعلام کرده و از حامیان و امضا کنندگان کارزار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار است که فری دم ناو آنرا به جریان انداخته است.

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان  
انهاست. درج مقالات در کارگر  
کمونیست لزوماً به معنی تأیید  
مضمون آنها از جانب نشریه نیست